

اُمید

در امریکانه

\$1.50

مقتدای مردم افغانستان

شماره بیست و یکم / سال بیست و سوم / چهارشنبه ۲۷ حوت ۱۳۹۳ / ۱۸ مارچ ۲۰۱۵ / شماره مسلسل ۹۹۴

نوروز، ایام را از شب مبارکباد
ایام می آید تا بر شما مبارک شود
مبارک شماید. ز منقالات شمس

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه
واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع
میوه های فصل، نان های تازه وطنی،
روت ها، میوه های خشک تازه وارد
از افغانستان، وگوشت های تازه مرغ،
بره، گوسفند، گوساله و گاو را با
بهای مناسبیت تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union
6566 Backlick Rd. Springfield, VA 22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

۱۱۸هزار نفر در امتحان کنکور موفق شدند

۱۷مارچ/کابل-بی بی سی: وزارت تحصیلات عالی نتایج کنکور سراسری کشور را امروز اعلام کرد. در آزمون امسال ۱۱۸هزار و ۱۴۵نفر موفق شدند به مراکز آموزش عالی، نیمه عالی و موسسات آموزش عالی خصوصی راه یابند. محمد عظیم نور بخش، سخنگوی وزارت تحصیلات عالی گفت برای شرکت در امتحان کنکور امسال ۲۴۶هزار و ۲۲۹نفر داوطلب ثبت نام کرده بودند که از این تعداد ۲۱۹هزار و ۱۴۵نفر در آزمون سراسری شرکت کردند. بیش از ۵۴هزار نفر به مراکز آموزش عالی دولتی راه یافته اند، بیش از ۳۶هزار نفر نیز به مراکز آموزشی نیمه عالی دولتی و ۲۷هزار نفر نیز نمره لازم برای ادامه تحصیل در موسسات آموزش عالی خصوصی کسب کرده اند. از این تعداد ۳۰درصد دختران و ۷۰درصد پسران هستند.

به گفته نور بخش فراوان آزمون کنکور امسال محمد قاسم مهاجر افغان بود که با کسب ۳۵۴نمره توانست به دانشگاه طب / پزشکی کابل راه یابد و بشیر احمد از ولایت کابل نیز با ۳۵۲نمره توانست مقام دوم کنکور سراسری امسال را از آن خود کند. او گفت حدود ۱۱۰هزار نتوانستند به مراکز آموزش عالی راه یابند و تعداد افرادی که متخلف شناخته شده اند ۷۹۸۵نفر هستند. کسانی که به مراکز آموزش عالی دولتی، نیمه عالی و خصوصی راه یافته اند، بیش از ۱۷۷نمره گرفته اند و کمتر از آن ناکام تلقی می شوند.

سال گذشته ۲۶۱هزار نفر برای ورود به دانشگاه ها ثبت نام کرده بودند و ۲۲۸هزار نفر در آزمون شرکت کردند. ۱۱۰هزار نفر به مراکز آموزش عالی و نیمه عالی این کشور جذب شدند.

افغانستان یکی از کشورهاییست که کمترین سرمایه گذاری را در زمینه آموزش داشته است، میزان سرمایه گذاری برای هردانش آموز در افغانستان ۶۰دالر در سال است، این رقم در پاکستان ۲۵۰دالر است و در ایران به ۵۰۰دالر می رسد. اکنون ۳۲دانشگاه دولتی و ۸۲دانشگاه خصوصی در سراسر کشور وجود دارد که حدود ۲۰۰هزار دانشجو در این مراکز درس میخوانند. اما با تمام این نا رسیاها میزان افرادی که سالانه پشت درهای کنکور این کشور می مانند، روز به روز افزایش می یابد و انتظار می رود که این میزان هر ساله بیشتر از قبل شود.

افتخار انتحاری در ولایت هیرمند

۱۸مارچ/ لشکرگاه-بی بی سی: در ولایت هیرمند یک بمبگذار انتحاری مو تر مملو از مواد انتحاری را در مرکز شهر لشکرگاه منفجر کرده است. دفتر معاون والی هیرمند گفت ۷ غیر نظامی کشته و دست کم ۴۱ نفر زخمی شده اند. رسانه های محلی گزارش کردند پس از یک انفجار صدای تیراندازی نیز بگوش رسیده اما آقای صدیقی در صفحه توئیتر خود تیراندازی پس از انفجار را تکذیب کرد. یک مقام محلی گفت حمله انتحاری در محله ای اتفاق افتاده که اجلاسی با اشتراک مقامهای ولایت هیرمندبرضد آدم ربایی برپا بود. رئیس شورای ولایتی و معاون اداره امنیت ملی هیرمند هم در نزدیکی محل رویداد زندگی میکنند. این دومین حمله انتحاری در هفته گذشته در ولایت هیرمند است. در حمله دوروز پیش نیز دست کم دو نفر کشته و چهار تن زخمی شدند. دو کشته و دو زخمی ماموران پلیس بوده اند.

تلفات ارتش افغانستان در ۲۰۱۴به ۱۳۰۰کشته و ۶۲۰۰زخمی میرسد. رهبران حکومت وحدت ملی اخیرا گفته اند به اساس بررسی های تازه میانگین تلفات پلیس هم ۲۰ کشته در روز بوده است.

نور : برای صلح با واگذاری چند وزارت به طالبان مشکل ندارم

۱۸مارچ/ بلخ-بی بی سی: عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ و از مخالفان طالبان میگوید در صورتیکه کابل شماری از وزارتخانه ها را به طالبان واگذار کند، اومشکلی ندارد. آقای نور رئیس اجرایی جمعیت اسلامی افغانستان واز فرماندهان پیشین جهاد بیست که سال ها علیه طالبان جنگیده است. دولت تلاش دارد گفت وگوهای رو در روی صلح با طالبان را بزودی آغاز کند. دو سوم کابینه دولت وحدت ملی بعد از نزدیک به شش ماه هنوز معرفی شده است. با این حال، آقای نور در مزار شریف گفت: (برای رسیدن به صلح باید بهایی پرداخت، اما این بها نباید سنگینتر از دستاوردهای سیزده ساله، حقوق زنان و آزادی بیان باشد). اما تاکید کرد که اگر با واگذاری یک، دو یا سه وزارت به طالبان میتوان به ادامه شورش و ناامنی نقطه پایان گذاشت، او از آن استقبال می کند. رسانه های پاکستان اخیرا به نقل از منابع خود گزارش دادند که طالبان خواهان سی درصد سهم در کابینه و مدیریت سه ولایت اند. دولت افغانستان اما میگوید بحث تقسیم قدرت با طالبان در میان نیست و گفت وگوهای صلح قرار است بدون قید و شرط آغاز شود. پیش از این گفته میشد این گفت وگوها در هفته اول ماه مارچ شروع میشود. اما رویترز گزارش داد که اختلاف بین دو فرمانده عمده طالبان اختر محمد منصور، عضو شورای کوبته و عبدالقیوم ذاکر فرمانده عمده عملیاتی طالبان بر سر گفت وگوهای صلح این روند را به تاخیر انداخته است.



گرداننده شوی معروف (شفیع عیار شو) در حال صحبت با تعدادی از حضار، آقایان محمد طاهاکوشان، شفیع عیار و داکتر دستگیر (شرح در داخل)

اولین جلسه هیئت اداری مجلس دایر شد

۱۱مارچ/کابل-باختر: اولین جلسه هیئت اداری ولسی جرگه به ریاست عبدالرؤف ابراهیمی رئیس مجلس دایر گردید. درین جلسه عبدالظاهر قدیر نایب اول ولسی جرگه، محمدنذر احمدزی نایب دوم، عبدالرؤف انعامی منشی، عرفان الله عرفان نایب منشی و خدایظرنصرت رئیس عمومی دارلانشای مجلس اشتراک داشتند، رئیس ولسی جرگه احراز پستیهای هیئت اداری را به هیئت معاونین، منشی و نایب منشی ولسی جرگه تبریک گفته، از بارگاه خداوند متعال کامیابی های بیشتر را برای آنان استدعاء نمود.

درین نشست روی تنظیم امور کاری مجلس و چگونگی تأمین روابط با حکومت بحث همه جانبه صورت گرفت. اعضای هیئت اداری نظریات و پیشنهادات شان را جهت تنظیم بهتر امور واستحکام روابط با قوه مجریه بیان نمودند و تصمیم لازم در زمینه اتخاذ شد.

کمیسیون برگزاری جشن نوروز جلسه کرد

۷مارچ/کابل-باختر: کمیسیون برگزاری جشن نوروز امروز بر ریاست سید مصدق خلیلی سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ جلسه کرد. در جلسه که به اشتراک نمایندگان باصلاحیت وزارت های دفاع، داخله، خارجه، مالیه، تجارت وصنایع، زراعت و آبیاری، انرژی و آب، امور زنان، صحت عامه و ترانسپورت و هوانوردی ملکی، شهرداری کابل، جمعیت هلال احمر، ریاست عمومی امنیت ملی، کمیته ملی المپیک واتحادیه ملی پیشه وران برگزار شد، سید مصدق خلیلی گفت جشن نوروز جز هویت تاریخی و فرهنگی مردم افغانستان است. به گفته وی خاستگاه نوروز افغانستان بوده و این جشن یک ارزش کلان هویتی و تاریخی برای مردم ماست که نباید فراموش شود. سپس نمایندگان ادارات مختلف صحبت کرده آمادگی نهاد مربوط شان را جهت برگزاری هر چه بهتر این مراسم ابراز کردند. در ادامه رئیس کمیسیون کمیته های چهارگانه، امنیتی، فرهنگی، تزیینات وصحی ایجاد وبه آنها وظیفه سپرد تا هر کدام روی طرح های مشخص کار نموده و به جلسه آینده کمیسیون گزارش دهند.

گفتنیست همزمان با تجلیل از جشن ملی نوروز، میله دهقان ونمایشگاه زراعتی فرآورده های محلی کشور نیز در بادام باغ برگزار شود. قرار است جشن نوروز امسال در بادام باغ ومناطق مختلف شهر کابل به سان سالهای قبل برگزار گردد.

هلاکت پنج قیام کننده و ۹ طالب در حمله طالبان

۱۵مارچ/غزنی-باختر: مسئولان ولایت غزنی از شهادت پنج قیام کننده و دو غیر نظامی در ولسوالی اندر خبر داد. منبع گفت دیروز یک مرکز قیام کنندگان مردمی در قره (کنده هیر) مورد حمله طالبان قرار گرفته که در نتیجه افزون بر تلفات فوق، نه طالب نیز کشته شدند. دوشب قبل نیز در حمله مشابه چهار پلیس محلی شهید شده بودند.

۷۰٪ وقت احمدزی صرف تأمین صلح میشود!

۱۸مارچ/کابل-بی بی سی: غنی احمدزی میگوید نزدیک به ۷۰٪ وقت خود را به تأمین امنیت و برقراری صلح اختصاص داده، اوایل این هفته برای سومین بار در شش ماه اخیر به عربستان سعودی سفر کرد و از پاکستان و چین نیز در این مدت دیدار کرده است. گفته می شود محور اصلی این مذاکرات تشویق این کشورها به کمک به روند صلح افغانستان است.

او همچنین در تلاش برای ایجاد (اجماع ملی در داخل کشور) با افراد کلیدی تاثیرگذار دیدار و گفت وگو کرده است.

داکتر عبدالله : هند پنجمین کمک کننده بزرگ در بازسازی افغانستان است

۱۴مارچ/دهلی نو-باختر: عبدالله رئیس اجرائیه، شام روز جمعه با حامد انصاری معاون رئیس جمهور هند ملاقات کرد. در ملاقات که در فضای دوستانه انجام گرفت روی ابعاد مختلف روابط دوجانبه میان افغانستان و هند وموضوعات منطقه و جهانی بحث شد. رئیس اجرائیه بنیاد روابط افغانستان و هند رامستحکم خوانده و از سرمایه گذاری و کمپهای این کشور در عرصه های گوناگون برای افغانستان ابراز امتنان کرده افزود: هند پنجمین کمک کننده بزرگ در بازسازی افغانستان است. موصوف بر همکاریهای منطقه تأکید ورزیده اظهار داشت این همکاریها منجر به رشد وشکوفایی کشور های منطقه می گردد.

داکتر عبدالله از اهدای بورسیه های تحصیلی جمهوری هند برای محصلان افغانستان قدردانی کرده علاوه نمود: این بورسیه ها روابط دوستانه وتاریخی مردم دو کشور را گسترش داده در راستای سرمایه گذاری بشری در افغانستان کمک میکند.

حامد انصاری بر تعهدات کشورش در قبال افغانستان تأکید کرده و افزود که از گسترش هر چه بیشتر روابط موجود میان افغانستان و هند در آینده مطمئن است و از تداوم همکاری ها میان دو کشور اطمینان داد.

بر کناری حدود ۱۰ هزار کارمند کمیسیون انتخابات

۱۲مارچ/کابل-باختر: کمیسیون شکایات انتخاباتی افغانستان می گوید: به هدف بررسی تقلب در انتخابات گذشته ریاست جمهور و شورا های ولایتی، در ظرف سه ماه یک راپور تحقیقاتی را ترتیب داد.

بگفته کمیسیون، در گزارش تحقیقاتی معلوم شد که ۹۸۷۸کارمند دایمی وموقتی کمیسیون انتخابات در تقلب دست داشتند. کسانی که در این مورد متهم اند تا ده سال دیگر نمی توانند در کمیسیون انتخابات کار کنند.

ادعای کاهش نود درصدی میزان جرایم جنایی در هرات

۱۵مارچ/هرات-باختر: در پی کاهش نود درصد گراف جرایم جنایی در هرات، شورای ولایتی، دستاوردهای پلیس را در تأمین امنیت ومهار جرایم قابل قدر خواند. کامران عزیزایی رئیس شورای ولایتی هرات گفت: قوماندانی امنیه هرات توانسته با طرح و اجرای برنامه های مو تر، جذب همکاری مردم، وضعیت امنیتی این ولایت را بگونه قابل قبولی تغییر دهد. او گفت: چهارالی پنج ماه قبل ولایت هرات هر روز شاهد یک رویداد تلخ بود اما از زمان تقرر سر پرست قوماندانی امنیه وضعیت امنیتی به مراتب بهتر از گذشته شده است.

عزیزایی فعالیت های عبدالمجید روزی را قابل ستایش دانست و گفت: بررسیهای آنان نشان میدهد که درین مدت یک گروه ۸ نفری آدم ربا منهدم، ۱۵ قاچاقچر بازداشت، ۲۱ دزد گرفتار، ۶ قاتل بازداشت و دو تروریست بازداشت شده اند. بگفته عزیزایی درین مدت یک قوماندان مشهور طالبان به نام قاری سمیع کشته وجندین میل سلاح مختلف النوع از ولایت هرات کشف و بیشتر از ده حلقه ماین نیز خنثی شده، بیشتر از یک هزار و پنجاه عراده موتراسایکل بدون اسناد از سطح شهر جمع آوردی شده است.

عبدالروف احمدی سخنگوی پلیس هرات اوضاع امنیتی درین اواخر را مثبت ارزیابی کرد و گفت در دو ماه اخیر ۲۰ تروریست و کسانی که در بد امنی ها دست داشتند بازداشت شده اند. با شروع سال جاری آنان در راستای تأمین امنیت بیشتر تلاش خواهند کرد.

با اینهمه شماری از شهروندان هرات نیز از وضعیت امنیتی خرسندند و می گویند در دو ماه گذشته امنیت ولایت هرات بهبود یافته است.

 WORLDWIDE TRAVEL INC. 	
CHEAP AIR FARES TO  KABUL FROM ALL U.S. CITIES DUBAI EUROPE PAKISTAN	MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS       866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT AF Insurance Group  Allstate You're in good hands. Auto Home Life Retirement (703) 348-6247 13044 Fair Lakes Shopping Center Fairfax Virginia 22033 abdulfitrat@allstate.com We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.	
Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE, Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.	

دا کتر نوید پارسا

قراردادن کشور های اسلامی در(حلقه دوم) روابط افغانستان با جهان : از توهم تا واقعیت سیاسی در صحنه بین المللی موجود

دیدگاه غیرواقعیبنانه وخیالبافانه درمورد روابط افغانستان باجهان اسلام

جانب حواریون غنی احمدزی بیان وتکرارمیکردد، به ویژه قرار دادن کشورهای اسلامی در حلقه دوم روابط افغانستان با جهان طبق تصور وتوهم باطل متفکر دوم جهان ؟. سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای اسلامی هیچ نقش بسیار موثری در تعیین سر نوشت هیچ کشوری نه در جریان جنگ سرد ونه بعداآن داشته است.

روابط بین المللی معاصر بالخصوص بعدازجنگ دوم جهانی بالوسيله دو ابر قدرت جهت میگرفت. در همه موارد نقش عمده و اساسی را در روندتکامل اوضاع اراده ملی کشورها و اراده سیاسی مردمان جهان برای تعیین سرنوشت بازی مینمود. مساعدت وهمکاری این دو قدرت حاکم بچیت عامل بیرونی نقش داشت.امروزنیزا وجود ختم جنگ سرد، کشورهای اسلامی منحیت یک قطب نظامی-سیاسی و اقتصادی که بتواند درسطح جهانی اثر گذار باشد، مطرح نیست. درمورد افغانستان نیزاگر تاریخ بیست سال اخیر را در نظر بگیریم با وجود صرف ملیونها دالر ازجانب سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان وشناخت این سه کشور ازطالبان، آنها نتوانستند امارت به اصطلاح اسلامی طالب را در صحنه بین المللی منحیت یک دولت مورد قبول جهان وملل متحد بگردانند. عربستان سعودی منحیت تمویل کننده سازمان کنفرانس اسلامی و کشورهای اسلامی عضو این سازمان، دولت اسلامی افغانستان به رهبری شهیدپروفیسر ربانی را ازین سازمان اخراج کردند. به این اخراج، ملل متحد وسازمان های بین المللی هیچ اهمیتی قابل نشدند وآنها به پشتیبی اهمیت ندادند (نقش پیسیف و منفی ایران در آن زمان درسازمان کنفرانس اسلامی قابل نکوهش میباشد). بدین ترتیب این اراده قوی مقاومت درداخل افغانستان وقدرتهای دیگری بودند که مانع شناخت طالب منحیت دولت وبازبگرد روابط بین المللی شد.نقش قدرت های منطقیو نظامی-سیاسی-اقتصادی مانند هندوستان موثریت بیشتر داشت تا عربستان سعودی .

شایدچهل ویاپنجاه سال بعد اسناد مخفی راجع به ایجاد و تمویل طالبان فاش شود، اماتا هنوزهمه مآظلهارات بینظیرو توراترپاره ایجاد طالبان شنیده ایم. نتیجه اینکه کشورهای اسلامی رادرحلقه دوم قراردادن یک تصوریاطل وتوهم می باشد تاواقعیت روابط بین المللی. علت این نوع اسلام اسلام گویی ، تسبیح بدست گرفتن وحج عمره رفتن وبه دامن عربستان سعودی خود رانداختن بیشتر ناشی ازسوابق سیاسی ارتباط باحزب دموکراتیک خلق وبیوند خانوادگی احمدزی میباشد. عامل دیگر علاقمندی مفرط عربستان سعودی برای نجات وحفظ گروه های سنی افراطی میباشد بشمول داعش که در شروع برای مقابله بانفوذایران شعبه ایجادشده بود و حال از کترول خارج شده و عده زیادی از کشور ها مخالف آن شده اند.

پاکستان وعربستان سعودی که بالای این نوع سازمانها سرمایه گذاری نموده اند میخواهند این سازمانها را در منطقه در حالت عقب نشینی تاکتیکی و خواب وخاموشی موقت قرار دهند. یک توافق توام با آتش بس زمینه گسترش شبکه های جدید و گسترش نفوذ رابرای این سازمانها(طالبان)ومتحدین شان(درا بنده مساعدمیسازد.احمدزی منحیت یک پشتونیست که زوال پیهم (طبق تعبیرانور الحق احدی) نفوذ ونفوس پشتونها راشاهد میباشد میخواهد طبق آرزوی خود عظمت دوباره و تسلط پشتونیم را احیاء کندواوماند سلفش کرزی که میگفت (کاش طالبان سپاه من می بودند) درین راه روان است، و افرادی مانند پرویز مشرف که خواهان حاکمیت تک قومی در افغانستان است حامی احمدزی می باشند.عدهٔ ازمنورین ازقوم شجاع پشتون که حساب شان جدا از سایر برادران پشتون می باشد، به هر قیمتی میخواهند، حتی با حمایت پنجابی ها ، بالای شانه های سایر اقوام سوار باشند .

حمایت عده کثیری از این نوع متورین به شمول کرزی-احمدزی-صمد حامد- ظاهر شاه ...از طالبان درسال های بعد از ۱۹۹۶ مظهر روشن این موقف می باشد. مردم افغانستان حق دارند در مقابل این نوع حرکتهای تک روانه و مخفی کارهای اشرف غنی هم چون برداشتی از (مذاکرات به اصطلاح صلح) بدون اجماع ملی و تأیید پارلمان داشته باشند، چه بدون این اجماع و حمایت اراده یک فرد نمی تواند اثراتی را به میان آورد .

جنگ نیابتی ؟! تبصره برسر مقاله بلندگار

کاربرد اصطلاح (جنگ نیابتی) از جانب احمدزی و تکرار آن بوسيله عدهٔ از نویسندگان ، در رابطه به جنگ دفاعی عادلانهٔ فعلی وحتی چهل سال اخیر، توهین به ملت و مدافعین این کشور میباشد. احمدزی که بسیار علاقه دارد به اصطلاح(کنای) گپ بزند و بدون در نظر گرفتن سامعین بجایویدادرهرمخلی لکچر دهد، مدتی است که بصورت کنایه و بصورت ضمنی جنگ عادلانهٔ فعلی مقابل جنگ تجاویزی پاکستان را جنگ نیابتی میدانند. درین جالازم نمی بینم تادر مورد جنگ و انواع جنگ از لحاظ حقوق بین الملل بحث نمایم، اما باید متذکرشوم که عدهٔ از نویسندگان غرب بصورت واضح تمام جنگهای آزادی بخش ملی را در برابر تسلط استعماری و دفاع از هویت سیاسی کشورها و مردمان را ، بالخصوص در زمان جنگ سرد، جنگ نیابتی میدانند. جنگ نیابتی یعنی جنگی که طرفین منازعه فقط منحیت یک عروسک بدون شعور و ادراک بالوسيله عامل خارجی به اصطلاح کابلی ها (شاخ به شاخ) میشوند. از دید این متفکرین جهاد و مقاومت مقابل شوروی سابق و آی اس آی ، جنبش آزادی بخش الجزایر مقابل فرانسه ، مبارزه خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت ...همه جنگ نیابتی بودند. اینکه وقتی افغانها بادستان خالی و شمشیرو تفنگ های قرن زرده برای دفاع از خاک خود مقابل تجاوزشوروی سابق قیام نمودند مهم نیست! احمدزی که این نوع کنایها راخوانده و با این اصطلاحات شستشوی مغزی شده عقل خود را بکار نمیبرد که در طول تاریخ در روابط بین کشور ها نظر به علایق مشترک اتحاد هایی برای دفاع از یک امری بمیان میا یلو بااستفاده ازهم چون بسترهای سیاسی طرفین ازیکدیگر حمایت مینمایند. در اوضاع فعلی ما قربانی تجاوز با کستان و اهداف غیر مشروع آن در باره افغانستان مجبور به جنگ دفاعی از کشور می باشیم و با تکرار به علایق مشترک مطابق منشور ملل متحد حق دفاع مشروع از خود را داریم . ایجاد روابط حسن همجواری بااساس احترام متقابل با پاکستان از نیازمندی های اساسی است . (دنباله در صفحهٔ ششم)



Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

فرهاد میرزا

عبدالله. نمایندگان ملت ومردم آگاه ما مترصد فیصلهٔ احمدزی در مذاکره با طالبان باشند

پاکستان بادوشکست مفتضح وشرم آور از هندوستان، که اگر جمعی از فداییان نظامی با پوشیدن واسکتهای انفجاری وخوایدن زیر زنجیر تانکهای هندی، از پیشرفت سریع عساکر هند جلو گیری نمیکردند، دیگر اصلاً پاکستانی وجود نمی داشت، ضیاءالحق رابدان واداشت نابرای حفاظت پاکستان به هزارها مدرسه بنام مذهبی اما درواقعیت آدمکشوی وتروریسم را بنیاد بگذار تا در جنگهای احتمالی بآهند در آینده ازین پیم های انسانی کاربگیرد. وبعد چنانکه می بینیم همه زعمای پاکستان مخصوصا قوای نظامی و جاسوسی آن ISI که در حقیقت قدرت مطلق از آن آنهاست، و حکومت ملکی محض نقش سمبولیک دارند، از آن برای برآوردن اهداف سیاسی خوداستفاده مینمایند.

ایجادطالبان بااستفاده ازهمین مدارس شیطانی صورت گرفت تا نخست برای حمایت ازانتقال موادتجارتی شان به آسیای میانه ازراه افغانستان، وبعدبرای به قدرت رساندن آنهابه زعامت افغانستان وداشتن یک حکومت دست نشاندۀ در آنجا، تااگر با هند برخوردی دیگرمیشود، از آنطرف مطمئن وآسوده باشند، و حتی بتوانند سلاحهای حساس وبارزش شانرا بدیانتقال واز خطر محفوظ دارند. به این اساس طالبان، یاکویم این تروریستهای خونخور رامجهاز وبا همراهی وکمک صاحب منصبان اردوی پاکستان بااستفاه ازضعف مجاهدین، که بعداز شکست اتحادشوروی برای احرازقدرت سخت به جان هم افتاده بودند، باشعار های عساکرپادشاه وفرشتگان صلح که با پیش کردن قرآن مجیدخانه به خانه و شهر به شهر مردم ساده و گوسفندی مارا وادار به صلح میکردند، بر کشورما سر ازیرساختند و چنانکه دیدیم، بدون جنگ ومقاومتی برا کثرت کشورماحاکم شدند و کشور مارا برای برآوردن اهداف سیاسی پاکستان اشغال کردند.

مقصود ازین مقدمه اینست که صدر رهبری طالبان بشمول ملاعمر درین مدارس شیطانی آموزش دیده اند، همه تابعیت پاکستانی دارند وبرخلاف گفته های ملاکرزی ومغزمتفکر جهان! هیچ عنوان برادران افغان، برادران ناراض، مخالفین مسلح واز آن شرم آورتر که مخالفین سیاسی کشورما شده نمی توانند. فلهذا این ملعبه های دست پاکستان وسیله ای بوده وهستند برای بسررساندن اهداف وآرزوهای سیاسی پاکستان که نه ازخود اختیاری دارندونه کدام هدفی ! البته این حقیقت راماهمیشه بیان کرده ایم، اما زعما ومقامات مسئول پاکستان جهت فریب امریکا وکسب بلیونها دالراز آنها، برای سرکوب القاعده که گو یا جایگاه آنهادرافغانستان است، همیشه آنرا رد میکردند، تا اینکه پرویز مشرف سابق رئیس جمهورنظامی آنکشور بدان اعتراف کرد که (طالبان رابرای برآوردن اهداف سیاسی شان به افغانستان فرستاده اند) ! اوباتمام بی حیایی اضافه کرد که جنگ نیابتی هند و پاکستان درافغانستان ازسالها به اینطرف ادامه دارد وبه نظراو تصمیم اسلام آباد دربره انداختن جنگ طالبان باافغانستان که فشاری به دشمن هند باشد، یک اقدام بجا ودرست بوده است !

درحالیکه افغانستان باهندوستان روابط درینۀ بسیار دوستانه داشته وهیچگاه باتوصیه وفشار آن کشور مزاحمتی برای پاکستان خلقی نکرده است. مشرف با یک سلسله گپهای ازقبیل (احمدزی نسبت به کرزی قابل اعتماد است)، (طالبها درحقیقت نمایندگی ازصدای پشتونهای افغانستان میکنند که درآوردن حکومت کرزی که اویشتر تحت تأثیر تاجیکهای افغانستان بود، به آنها توجهی نمی شد و تقریبا به حاشیه رانده شده بودند، لهنذا ما باید پشتونها رادوباره به میدان بیاوریم، زیرا آنها کثرت نفوس افغانستان را دارند وبامشار کت طالبها درحکومت میتوانند برای آیندهٔ افغانستان بسیار سودمند واقع شوند) ! وبعضی گپهای فتنه انگیز و چرند و پرند دیگر که همیشه از دهن کیف او درآوان زمامداری اش برای ایجاد نفاق وشقاق بین اقوام افغانستان مخصوصاً بین پشتونها وتاجیکها برای نیل به اهداف شیطانی اش، شکر افشاشده بود وهنوزهم می شود.

از اصل مقصد دورنشویم که بااعتراف مشرف دیگرهیچ شک و تردیدی باقی نیمماند که بگویم واقعاتطالبان گماشتگان، چاکران و بمب های پرشدهٔ مدارس شیطانی پاکستان اند، آنها درپاکستان برای منظورخاصی تربیه وبزرگ شده اند. آنهاافغان نیستند وباسپورت پاکستانی دارند، ومذاکره باآنها یکی از فرمایشات فتنه انگیز دیگر نظامیان وآی اس آی پاکستان است، که این مغز متفکرجهان ! بدون کوچترین تدبیر واندیشهٔ نظیر یکعدد خواستههای دیگر پاکستان، که از آن درنوشتهٔ گذشته یاد کردم، که هیچ دستاوری برای کشورما نداشت، وبصورت یکجانبه بدون آنکه مشوره ونظر مردم کشورش حتی همنای سیاسی اش عبدالله راداشته باشد، همه رابه قسم تحفه، پیشکش حضورنظامیان وآی اس آی پاکستان کرد، این بارنیز بدون مشورهٔ هیچکس حاضر میشود بااین مزدوران پاکستان که فاقدهر گونه اختیار وصلاحیت وقدرت اند، به مذاکرهٔ بی ارزش ویی ثمری بپردازد .

به عقیدهٔ من وبه یقین ملیونها هموطن دیگر، مذاکره بااین ددمنشان گذشته ازآنکه هیچ مشکلی راحل نمی کند، اصلاًقبول مذاکره بااین قاتلین مردم ما، که بااعتراف پرویزمشرف ازطرف پاکستان برای به برآوردن اهداف سیاسی آنهابه خاک ما فرستاده شده اند، کسرثأن وحیثیت وقار وغرورملی وارزشهای مقام والای زعامت کشور است، که متأسفانه مغزمتفکر جهان ! آنرانیز قربانی رضایت و خرسندی خاطرشریف نوازشریف، سران نظامی وآی اس آی پاکستان وبرادران پجان برابرش میکند .

از آن گذشته، اگر آنچه بعدازمذاکرات مخفی ومرموز مغزمتفکر جهان ! در کشور خودما وپاکستان باظامیان، آی اس آی وحکومت پاکستان شایع است، درست باشد، هر دو کشور به موافقه رسیدند که دیگرطالبان خوب وید هر دو بد اند وهر دو کشورمتعهد شدند که بر علیه آنها وسرکوبی شان عملیات ومساعی مشترک نمایند. پس اگر چنین موافقهٔ صورت گرفته باشد ومقامات پاکستانی به آن صادق باشند، همانطوریکه درقلم وقمع طالبان پاکستان عملیات گسترده وشدیدی براه انداخته اند، چنانکه رئیس آی اس آی برای بدست آوردن فضل الله، که گفته میشود طراح عملیهٔ بمب گذاری مکتب پشاور بوده، دوبار به کابل رفت ، اگر درمقابل، طالبان افغانی مخصوصاً لائۀ شیطانی ملاعمر، حقانی وگلبدین، قاتلین مردم ما، که چون آفتاب برای شان روشن است، اقدامات جدی می نمودند، در آنصورت گلیم طالبان جمع بود ومذاکره اصلاً مفهومی نمی داشت .

(دنباله در ستون سوم)

انندل -ورجنیا

مشتاق احمد کریم نوری

دربارهٔ وزارت اطلاعات و فرهنگ

هرچند دموکراسی صرف درمحدودهٔ انتخابات خلاصه نمی شود، اما پر واضح است که انتخابات ستون فقرات دموکراسی محسوب می گردد. اگر تصمیم و ارادهٔ محکمی در ترویج دموکراسی واحیای شایسته سالاری نباشد، به یقین که رابطه سالاری بنیاد یک دولت بر آمده بنام وحدت ملی را آسیب پذیر ساخته باچالشهای بیشتری مواجه میسازد، پس بایدسخت متوجه بود در جامعهٔ که کارها برحسب و اساس استعدادها تقسیم نشود، درحقیقت همه بیکاراند !

همکاربزرگوارمطبوعاتی ودوست گرانما به ام جناب سیدفقیر علوی، در شمارهٔ قبلی امید راجع به وزارت اطلاعات وفرهنگ فشرده مطالبی نگاشته بودند. بلی حقیقت این است که در تقسیم چوکیهای وزارتتها دردولت وحدت ملی، سهم وزارت اطلاعات وفرهنگ به جنرال دوستم معاون اول ریاست جمهوری رسیده بود، چنانچه خانم آی سلطان خیری برای گرفتن رأی اعتماد به پارلمان معرفی شد، که از شورای ملی رأی لازم نگرفت. بعدا معرفی وزرباطلاعات وفرهنگ از سهمیهٔ جلالتمآب غنی احمدزی یادآوری شد، و گفته میشود آقای عبدالباری جهانی شاعر گرامی پشتوبرای این پست در نظر گرفته شده است.

دراینجالازم است دولت وحدت ملی اذهان عامه رادر روشنی قرار دهدو وضاحت نماید که روی چه انگیزه وملحوظاتی همچوتغییرات و تبدلات صورت میگیرد. دفتر مطبوعاتی آقای دوستم، اگرچنین دفتری موجودباشد، باید واضح سازد که چون سهمیهٔ این وزارت به معاون اول ریاست جمهورداده شده، آیا در بدل این تعویض، کدام معاملهٔ سری صورت گرفته است؟ باید گفت آنچه که خمیرمایۀ یک دولت کارآ را تشکیل میدهد، داشتن استعدادها در انتخاب هاست، مانخبگان دانشمند وارزشمندی داریم که وقتی کنارشان بنشیني، چای تان سرد می شود و دل تان گرم .

درحالیکه جناب جنرال دوستم باشناختی که جناب داکتر عنایت الله شهرانی دارد، صرف نظر از اینکه او از تر کنباران کشوراست، درعین حال مربوط بههمۀ اقوام باهم برادر وبرابراست. تألیفات داکترشهرانی از پنجاه کتاب وصدهامقاله گذشته، شخصیت چندبعدی است . پروفیسر شهرانی باسابقۀ درخشان وربابطۀ کاری باکثر هنرمندان وفرهنگیان واولین رئیس انتخابی اتحادیهٔ سراسری هنرمندان افغانستان به نیوکویی میتواند با شناخت وگزینش دقیقش ازمطبوعاتیان و هنرمندان، یک تیم کاری جوان وفعال رابوجود آورد.

رهبران دولت وحدت ملی، که با اکثرایشان شناخت زیادی دارم، و باآنان مصاحبه هایی انجام داده ام، باید سخت متوجه باشند تااز چهره هایی تکراری وآزموده شده عبور نمایند، آنان رالزقطار خارج گردانند، برای احیای برابری، جانب حق وعدالت رابگیرند. در بی عدالتی هاناباید بیطرف بود، چون جانب ستمگر گرفته میشود. بیاد دارم خبرنگاری از یک فرهنگی پرسیده بود که چیز ها و ندانم کاری هایی که دروزارتها صورت گرفته، جبران خواهندشد؟ اوبآ کشیدن آهی گفت: اما درست وقتی که آموخته میشویم چطور بدون نخبگان زندگی کنیم !

چطورممکن است که نخبگان غم دود نکنند، وسخنان یکی ازعمیعان وزارت اطلاعات وفرهنگ، آقای تیمورشاه اسحق زی رانشنیده بگیرند وسربسته ازآن بگذرند، که گفته بود : افغان یو... مسلمان یو... یا انسان یو !!! زمستان وتابستان ندارد، هر فصل سال که باشد، همچو سخنانی که بلند شود چهار ستون بدنم میلرزد . بهرحال نباید فراموش کرد وغافل ماند که وزارت اطلاعات وفرهنگ یکی از کلیدی ترین وزارت هاست . /

***** موضوع مذاکره باطالبان که درآوان حکومت کرزی همیشه بنام از طرف طالبان، اما درحقیقت ازطرف باداران پاکستانی شان رد میشد، امروز حکومت مفتن پاکستان برای کسب اعتماد بیشتر، که گو یا آنها طالبهارا مجبورساخته اند حاضربه مذاکره شوند، با براه انداختن مذاکره باطالبها، که دام فتنه انگیزی دیگری برای باج گرفتن بیشتر از مغزمتفکرجهان! است، میخواهند مزدوران شانرا که تقریباً دودهده است مردم بیگانه مارا کشته، کشورما روابران کرده ومانع هرگونه بازسازی شده اند، درحکومت ماشریک وباقسمتی از کشورمارابرای آنهاواگذارشوند .

فعلاًاگر بناباشد که مغزمتفکرجهان! مثل مذاکرات مخفی وبشت پردهٔ قبلی اش باظامیان آی اس آی وحکومت پاکستان، طوریکه در سطوربالا ازآن یاد کردم که خواستههای آنهارا یکجانبه پذیرفت ودر مقابل هیچ حاصل ودست آوردی برای کشورنداشت، بازهم بدون کوچترین تدبیر واندیشه ودرنظر داشت منافع علیای کشورش، به صورت مستقل وعدم رعایت مشوره ونظر مردم حاضر میشود باقاتلین مردم ما(طالبان) محض برای منفعت وخوش ساختن برادران پاکستانی اش به مذاکره می نشینند، یم آن موجوداست که نشود گل دیگری به آب بدهد وتحفهٔ دیگری پیشکش حضورنظامیان وآی اس آی و حکومت پاکستان نماید، که آن به یقین تسلیم دهی قدم بقدم کشور مابه پاکستان خواهد بود ! /

هوشدار به جوانان ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

من تلافی به گریه خواهم کرد که شود داستان به دورانا بعد یکهفته لشگری آراست سبصد و سی هزار موšana همه با نیزه‌ها و تیر و کمان همه با سیف های برانا فوج های پیاده از یک سو تیغ ها در میانه جولاتا چونکه جمع آوری لشگر شد از خراسان و رشت و گیلاتا بکه موشی وزیر لشگر بود هوشمند و دلیر و فطانا گفت باید یکی ز ما برود نزد گریه به شهر کرمانا یا یا پای تخت در خدمت یا که آماده باش جنگانا موشکی بود ایلچی ز قدیم شد روانه به شهر کرمانا نرم نمک به گریه حالی کرد که منم ایلچی ز شاهانا خبر آورده‌ام برای شما عزم جنگ کرده شاه موšana یا برو پای تخت در خدمت یا که آماده باش جنگانا گریه گفتا که موش که خورده من نیایم برون ز کرمانا (دنباله درص ۶)

عبدالودود ظفري
الميدا - کاليفورنيا
يوسف گولده ستين، گزارشی را زیر عنوان (مهاجرین به زور از پاکستان اخراج می گردند) در شمارهٔ ۲۴ فبروری ۲۰۱۵ روزنامهٔ نیویارک تایمز به نشر سپرده است. پس از یک تبصرهٔ کوتاه، برگردان فارسی گزارش تقدیم می شود.

پاکستان بصفّت وارث قوای استعماری انگلیس، از بدو ایجاددر ۱۹۴۷ در دشمنی پنهان و عیان باافغانستان قراردارد. درطول همین مدت پاکستان به بهانه های مختلف افغانستان رادر مضيقه قرار داده، جلو رشد اقتصادی، تجارتي، ترانسپورتي وغيره را گرفته، تاطرح ستراتيژيک خودرا که مطيع سازي حکومات افغانستان است، جامهٔ عمل پيوشاند. تمامی رهبران پيشين پاکستان، جناح، ايوب، يحي، بو تو، ضيا، مشرف و نواز، همه تسلط برافغانستان رادر سرخط برنامه های خودقرار داده بودند. زعمای پنجايی و پشتون پاکستان يستر از همه در بديختی مردم مادست داشتند. سياستمداران، نظاميان، ملاها، مولاناها، سران احزاب متقاعد و بر حال کنونی پاکستان در ادامهٔ جنگ، خونريزی، بی ثباتی و ناآرامی افغانستان بصورت مستقيم دست دارند، وباعدول از نورم های همسايگی، اسلامی و بين المللی مردم مارا بيشرمانه در تنگنا قرار داده اند. بنابر سياستهای غير ملي زعمای افغانستان در دهه های اخير، افغانستان قسماً زیر سيطرهٔ پاکستان قراردارد. حضور سران تنظيمهای فرمانبردار در پاکستان، تعيين زعامت حکومت اسلامی در گورنر هاوس پشاور، وسيله بودن رژيم بدنام طالبان در تطبيق سياستهای افغاني پاکستان، کر نشهای يميمورد کرزی و تعهد او که در صورت جنگ میان ريکا و پاکستان، اوجانب پاکستان راميگيرد، واکنون اتخاذ روش غير متوازن غنی احمدزی میان هند(یکی از بزرگترين حاميان افغانستان) و پاکستان(دشمن عيان افغانستان)، نشان ميدهد که پاکستان در تاروپود سياست افغانستان نفوذ دارد وباستفاده از عناصر و طفروش خود در افغانستان، هر آنچه بخواهد انجام داده ميتواند.

حکومت کنونی پاکستان با راه اندازی يهاهی مذاکره باطالبان می خواهد ضربهٔ کاری ديگری بر پيکر ناتوان افغانستان وارد کند. اکثر تحليلگران داخلی اوضاع منطقه و افغانستان، بادر نظر داشت سياستهای دورویی دومدار زعمای پاکستان، آنهارا قابل اعتمادنی پندارند، به غنی احمدزی تو صيه ميدارند و هوشدار ميدهند که محتاطانه حرکت کند، فريب چال ونيرنگ پاکستانيهارا نخورد، تا منافع ملی افغانستان بنام صلح واهی باطالبان، بازهم صدمهٔ شديد نبيند . زعمای پاکستان از يکسو ظاهر احو در اطرفدار صلح و ثبات در افغانستان معرفي ميکنند، از مذاکرات صلح باطالبان صحبت مينمايند، وزير دفاع پاکستان از سهم دادن شبکهٔ حقانی در پروژهٔ صلح حمايت می دارد، از سوی ديگر برخلاف قوانين مهاجرت بين المللی و برخلاف اصول همسايگی وهم دينی، حتا مهاجرين دارای مدرک را بصورت دستجمعی به زور اخراج ميکنند، وافغانستان راه يک مشکل ديگری مواحه می سازند. در حالیکه پاکستان در ۳۵ سال گذشته به بهانهٔ حضور مهاجران، صدها بليون دالر را از امريکا، ملل متحد ومنابع ديگر بين المللی بدست آورد، اقتصاد جنگی را رشد داد، و دارای قدرت اتومی شد .

آقای غنی احمدزی مرد دوم متفکر جهان !! بدون توجه به هوشدار های تحليلگران، وبدون در نظر داشت منافع ملی، به سرعت در جادهٔ يکطرفه روان است، وبا دادن امتيازهای بی عوض به پاکستان، دست آوردهای سيزده سال گذشته را در مورد حقوق زنان، آزادی بيان و ارزشهای دموکراتيک به خطر مواجه می نمايد. اميداست فشار افکار عامه وی را واقع بين سازد .

این هم برگردان فارسی گزارش نیویارک تایمز :

پلیس چماق بدست پاکستان درحمله بر منازل مهاجرین، مردان خانواده هارا دستگیر و بازداشت کردند، و پس از حصول رشوت از اقارب شان، رها نمودند. به کسانیکه چیزی برای پرداخت رشوت نداشتند، هدایت داده اند تا از پاکستان برای همیشه خارج وبه وطن اصلی شان بازگردند. جاییکه برای اکثریت مهاجرین افغانی پس از سالها زندگی در پاکستان، یک سرزمین ییگانه و نابلد تلقی میگردد .

این نوع تجربه برای افغانهایی که در پاکستان زندگی می نمایند و روش اخیر که پس ازحمله بریک مکتب درپشاور در دسمبر ۲۰۱۴ علیه مهاجرین اعمال شد، یک حرکت عادی پنداشته میشود. با آنکه طالبان پاکستاني ادعا کردند که حمله بر مکتب را آنان سازمان داده بودند، مهاجرین افغانی بیان داشتند که موج تفر علیه آنها سبب شد هزاران افغان از بنبر، تورخم روزانه به افغانستان بازگردند. اکثریت بازگشتی ها اظهار کردند که به زور اخراج شده اند و دیگران ازواهمه وترس، پاکستان را ترک کرده اند. هنوز روش نمی باشد که اخراج مهاجرین نتیجهٔ اتحاد پالیسی گسترده است و یامامورین محلی با استفاده از حالات، به اخراج ناخواستهٔ آنها اقدام کرده اند. شمار اخراج شدگان در حال فزونی میباشد. مامورین افغانی که در بنبر، تورخم ترافیک را کنترل می نمایند، گفتند بیش از ۳۳ هزار مهاجر بدون مدرک در ۶ هفتهٔ اول سال ۲۰۱۵ به افغانستان بازگشته اند. این شمار بیش از تمام بازگشتی های سال ۲۰۱۴ است .

بعضی از عودت کنندگان که در عقب مو ترهای ترک سفر می کردند کوشش مینمودند خود را دلیر و خرسند جلوه دهند. وزیرخان ۳۲ ساله که خود و خانواده اش در یک مو تر باریی منتظر بررسی در تورخم بود، گفت (این یک افتخار است که به وطن باز میگردیم.) وزیرخان در پاکستان بدنیا آمده، یگانه چیزی که از وطن خود افغانستان باخود دارد، شمارهٔ تلفون یکی از خویشاوندانش میباشد که با رنگ آبی در کف دست چپش نوشته شده است، که به مجرد دخول به خاک افغانستان دوست خود را در جریان قرار دهد، او با تاکید میگفت که مراجعت به وطن (یک لحظه لذت بخش میباشد).

سازمان ملل متحد ادعا میکند که در حدود یک ونیم ملیون مهاجر ثبت شدهٔ افغانی در پاکستان وجود دارد، صدها هزار دیگر بدون مدرک در آنجا زندگی مینمایند. مقامات رسمی پاکستان از مدت ها بدین سو می خواهند مهاجرین به افغانستان بازگردند، ادامهٔ حضور شان امنیت پاکستان را به خطر می اندازد. بعضی از اخراج شدگان بیان میکنند که آنها دارای مدرک مهاجرت بودند. سلیم ۳۵ ساله اظهار نمود زمانیکه وی سند مهاجرت را به افسر پلیس بورس کننده به منزلش در کشمیر نشان داد، افسر مذکور سند را دور انداخت وبه تکرار گفت: بما هدایت داده شده افغانهای مهاجر را اخراج کنیم .

اگر ادعای سلیم صحت داشته باشد، این عمل پاکستاني ها خلاف ورزی صریح از مقررات بین المللی میباشد. دفتر مهاجرین ملل متحد شکایت واعراض خود را در مورد به مقامات پاکستان رسانیده است. بعضی از گروههای مدافع حقوق بشر مانند نهاد دیدبان حقوق بشر از پاکستان تقاضا کرده اند که اخراج مهاجرین را متوقف سازد. بابر بلوچ یک سخنگوی کمشنری عالی سازمان ملل برای مهاجرین طی یک ایمیل نوشت: (ما اخبار حملهٔ پلیس وبازداشت مهاجرین دارای مدرک را که پس از حمله بریک مکتب در پشاور صورت گرفت، شنیدیم، نگرانی خود را به حکومت پاکستان بیان داشتیم .)

باوجودیکه حکومت پاکستان موضوع را رد نمود، بقول یک مرجع جمع آوری مهاجران جریان دارد، و یک نوع تلاش رسمی (دنباله در صفحهٔ ششم)

محمد طاها کوشان

هوشدار به : جوانان . جوانان . جوانان !
جوانان !
دست ما به دامان دانش و ذرات و کفایت شما
این بار غنی احمدزی کابل بانک را به پاکستان میفرشود.
داکتر عبدالله از خواب برخیز و این داستان موش گربه را با ژرفنگری و حساسیت ها بخوان و دست بکار شو !

یارب ! از عرفان مرایمانهٔ سرشار ده
چشم بینا، جان آگاه ودل بیدار ده
مدتی گفتاری کردار کردی مرحمت
روزگاری هم به من، کرداری گفتارده
(صائب تبریزی)

آری: یک چند پی دانش و دفتر گشتیم
در عهد شباب
یک چند پی زیـ سنت و زیور گشتیم
کردیم حساب
چون واقف از این جهان ابـتر گشتیم
تقشیسـت بر آب
ترک همه کردیم و قـلـندر گشتیم
مارا دریاب (؟)

طفلی و دامان مادر خوش بهشتی بوده است

تابه پای خود روان گشتیم سرگردان شدیم(؟)
بازی های گربه آور سردمداران خود کاهه که هر روز برای ما می گویند:
بزک بزک نمیر؛ جو لغمان میرسد !
دل مردم رانـتـگ ساخته و جان مارا به لب آورده.
همه بی کفایت و بی حـسـبـت و مرموزتر از دیروز در گفتار و کردار □
یکی بافـشـن شوهای وطنی و دیگرش اروپایی مصروف و مشکور و دلشاد اند؛
اما مین و هم مینان در آتش بیداد از شش جهت در سوختن و ساختن .

تو جوان اگر به راستی از مرد ومردانگی وعیاری بویی برده یی برخیز و با سلاح زبان و قلم سد این همه بی بندوباری و بی حسی و خودکامگی شو
وفرهنگ من زنده جهان زنده را از بیخ وریشه برکن و برای مادر مین از جان و دل خدمتی نما تا به بهشت اندر شوی .

نامی از خویش در جهان بگذار
زندگانی برای مردن نیست (ناظم هروی)
زندگی روزانه سیاسی مین ما به (موش و گربه) داستانی که عبید زاکانی در زمانی سروده که مردمان پارس نیز در چنین منجـلاب بدیختی و کشتن و بستن و آتش زدن و ویرانی روبرو بودند؛ که شباهت زیادی دارد و با زبان طنز، همان گونه که اسمعیل گوزوک ما درین لافاف دست اندر کاران را تو بیخ و راه بیرون رفت را نشان میداد. عبید زاکانی داستان (گربه وموش) را بسیار عبرت آموز سروده که پیشکش شما نخل های امید زندگانی می نمایم :

اگر داری تو عقل و دانش وهوش
یا بشنو حدیث گربه وموش

بخوانم از برابت داستانی
که در معنای آن حیران بمانی :

ای خردمند عاقل ودانا
قصهٔ موش و گربه برخوانا

قصهٔ موش و گربهٔ منظم
گوش کن همچو در غلطانا

از قضای فلک یکی گربه
بود چون اژدها به کرمانا

شکمش طبل وسینه اش چوسپر
شیر دم و پلنگ جنگانا

از غریوش به وقت غریدن
شیر درنده شد هراسانا

سهرسفره چون نهادی پای
شیر از وی شدی گریزانا

روزی اندر شرایخانه شدی
از برای شکار موشانا

در پس خم می نمود کمین
همچو دزدی که در بیابانا

ناگهان موشکی ز دیواری
جست بر خم می خروشانا

سربه خم بر نهاد و می نوشید
مست شد همچو شیر غرانا

گفت کو گربه تاسرش بکنم
پوستش پر کنم ز کاهانا

گربه در پیش من چوسگ باشد
که شود روبرو به میدانا

گربه این را شنید و دم نزدی
چنگ و دندان زدی به سوهانا

ناگهان جست وموش را بگرفت
چون پلنگی شکار کوهانا

موش گفتا که من غلام توام
عفو کن بر من این گناهانا

مست بودم اگر گهی خوردم
گه فراوان خورند مستانا

گربه گفتا دروغ کمتر گوی
نخورم من فرب و مکرانا

می شنیدم هر آنچه می گفتی
ناروا دین فحبه نامسلمانا

گربه آن موش را بکشت و بخورد
سوی مسجد شدی خرامانا

دست ورو را بست و مسح کشید
ورد میخواند همچو ملانا

بار الها که توبه کردم من
ندرم موش را به دنداننا

بهر این خون ناحق ای خلاق
من تصدق دهم دو من نانا

آفتدر لابه کردو زاری کرد
تا به حدی که گشت گریانا

موشکی بود در پس منبر
زود برد این خبر به موشانا

مژدگانی که گربه تابث شد
زاهد و عابد و مسلمانا

بود در مسجد آن ستوده خصال
در نماز و نیاز و افغانا

این خبر چون رسید بر موشان
همه گشتند شاد و خنداننا

هفت موش گزیده بر جستند
هر یکی کدخدا و دهقاننا

بر گرفتند بهر گربه ز مهر
هر یکی تحفه های الوانا

آن یکی شیشهٔ شراب به کف
وان دگر بره های بریاننا

آن یکی طشتکی پراز کشش
وان دگر یک طبق ز خرمانا

آن یکی ظرفی از پنبیره دست
وان دگر ماست با کره نانا

آن یکی خوانچهٔ پلو بر سر
افشره آب لیمو عمانا

نزد گربه شدند آن موشان
با سلام و درود و احسانا

عرض کردند با هزار ادب
کای فدای رخت همه جاننا

لایق خدمت تو پیشکشی
کرده ایم ما قبول فرماننا

گربه چون موشکان بدید بخواند
رزق کم فی السماء حقاننا

من گرسنه بسی بسر بردم
رزقم امروز شد فراوانا

روژه بودم به روزهای دگر
از برای رضای رحماننا

هر که کار خدا کند به یقین
روزش میشود فراوانا

بعد از آن گفت پیش فرمائید
قدمی چند ای رفیقاننا

موشکان جمله پیش می رفتند
چون شان همچو بید لرزاننا

ناگهان گربه جست بر موشان
تن مبارز به روز میداننا

پنج موش گزیده را بگرفت
هر یکی کدخدا و ایلخاننا

دویدین جنگ و دو بدانچنگال
یک به دندان چو شیر غرانا

آندو موش دگر که جان بردند
زود بردند خبر به موشانا

که چه بنشسته اید ای موشان
خاکتان بر سر ای جواناننا

پنج موش رئیس را بدرید
گربه با چنگ ها و دنداننا

موشکان را ازین مصیبت و غم
شد لباس همه سیاهاننا

خاک بر سر کان همی گفتند
ای دروغا رئیس موشانا

بعد از آن متفق شدند که ما
می رویم پای تخت سلطاننا

تابه شه عرض حال خوش کنیم
از ستم های خیل گریاننا

شاه موشان نشسته بود به تخت
دید از دور خیل موشانا

همه یکباره کردش تعظیم
کای تو شاهشهی به دوراننا

گربه کرده است ظلم بر ماها
ای شهشه اولم به قرباننا

سالی یکدانه میگرفت از ما
حال حرصش شده فراوانا

این زمان پنج پنج میگبرد
چون شده تائب و مسلمنانا

درد دل چون به شاه خود گفتند
شاه فرمود کای عزیزانا (دنباله در صفحهٔ ۲)

عبدالحاق بقایی پامیرزاد

حقا که با عقوبت دوزخ برابر است
رفتن به پای مردم همسایه در بهشت

معرفی یک اثر ناب و زیبا وبا محتوا

زیر عنوان:(مثلا، کتاه ها، اصطلاحات متداول زبان فارسی دری، یش از ده هزار)، مؤلف و گرد آورنده عزیز محمد آماج

سال ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با ۲۰۰۹ میلادی، در قریه اورباخیل دره زیبای پغمان از تبار محترم شریف وبرادر پشتون،محل چاپ: مؤسسه انتشارات دانش، پشاور، پاکستان،تیراژ : یکهزار جلد

جناب آماج که دوست دیرین من هستند بامهربانی زایدالوصفی یک جلد این اثر استثنایی وبا محتوا را باین کمبینه پوست کرده خواهان معرفی آن درجراید و سایت ها وطنی گردیده اند. اینک علیرغم کم بضاعتی این مسئولیت را بهمهده گرفتم و آرزو مندم در حد توان آنرا به انجام برسانم.

شایسته گفتن میدانم جناب آماج از شخصیتهای اکادمیک و تحصیل کردگان مشهور کشورما هستند وعمر گرانهای شانرا بعد از تحصیلات به سطح عالی در وزارت معارف افغانستان سپری کرده و حاصل آن علاوه بر خدمات در پستهای مختلف ومسافرتهای کاری به کشورهای جهان، آفرینش چندین اثر زیبااست که به جامعه فرهنگی ما پیکش کرده اند.ایشان حیات کاری وساده رادوست دارند وامانده سایر زحمتکشان وطن زندگی فقیرانه داشته اندوبه زراندوزی و بدست آوردن مال و مثال نه پرداخته و نمونه ای از یک انسان با تقوا وبا عزت بحساب میروند.

درین بحث به بخش هایی از آن اثر تماس میگیریم.

مؤلف گرامی طی هفت صفحه پیشگفتار جامعی پیرامون اثر شان نوشته اند و مثالهایی دقیقی از دانشمندان و محققین جهان باستان و معاصر چه از کشورهای اسلامی و چه از کشورهای اروپایی به خواندگان ارجمند عرضه داشته وعصاره همه را با ادبیات دلپذیر زبان فارسی طی ۵۴۴ صفحه تألیف و تدوین نموده اند که برای خوانندگان نهایت مفید و اثر گزار است.

بگونه مثال از جمله ده شخصیت جهان، از قول یکی از پروفیسوران یونان قدیم (۳۱۴ – ۳۷۰ م) گفته شده: (آثاری که از زیر بناهای درهم شکسته و فرو ریخته قدیم و از میان ویرانه ومخروبه ها نمودار شده وبه سبب اختصار لفظ روشنی معنی و آسانی تلفظ در طول ازمنه ها سینه به سینه بلیغتر و رساتر به آیندگان رسیده وزنده و پایه دار مانده است.(افغانستان با داشتن طلا تپه و آهوی طلایی وسایر آثار قیمت دار باستانی در جهان نمونه است – بقایی)

توجه بفرمائید به چند نکته مهم دیگر:

– مؤلف بحیث فرزند کوهپایه های پرغرور افغانستان خود را به همه ملت شریف افغانستان متعلق میداند و بزبانهای پشتو، فارسی دری،اوزبکی، بلوچی، پشه یی، نورستانی و غیره ارج فراوان قایل است و آنها را باعث ایجاد وحدت ملی و دوستی پایدار بین ملیتهای مختلف کشور میشمارد و بهر یک احترام و عشق خلل ناپذیر دارد.

– از ابتکارات دیگر مؤلف آنست که به ارتباط ضرب المثلها به آوردن قصه های شیرین اساطیری ومعاصر، ملیتهای مختلف پرداخته و ده ها و صدها مصرع و ابیات را رقم زده وبه شیرینی و حلاوت کتاب افزوده است.

– فهرست کتاب بسیار دقیق ترتیب شده.خواننده را زودتر به هدف می رساند. ابتکار مؤلف چنان است که این کتاب ضخیم بر اساس حروف الفبایی زبان فارسی دری استوار گردیده وبه (حرف (آ) آغاز وبه حرف (ی) به اتمام میرسد.در اینجا لازم میدانم تا قسمتی از بخش اول پیشگفتار هفت صفحه بی مؤلف را نیز خدمت خوانندگان پیشکش نمایم واحساسات سرشار شان که در ایجاد چنین اثر نغز بحیث عنصر رسالتمند تقدیم و تمجید نمایم. زنده باشند و بیشتر مصدر خدمت شوند.

در پیشگفتار به مقام ملکو تی آدم اشاره بعمل آمده وبحیث خلیفه خدا (ج) در روی زمین زبیا به مسؤولیت هایش متوجه گردانیده شده : (فرمان به بسیار سرعت خارج از اداره وخواست انسان با قوت ونیروی تمام تحت یک نظم وهما هنگی خاص به پیش میروود وبه انسان این عظیم ترین موجود هستی صدا میزند: ای انسان: ای بزرگترین گوهر هستی!

ای اساس ترین عنصر تحول و دگر گونی! تو آگاه ترین موجود جهان هستی، در مغز تو قویترین نیرو نهفته است ازین (ودبعه) برای سعادت خود وهنوعان خود استفاده کن به حرکت وجش یا وبرخیز با جهل وفقر و تمام بدیختیهای جهان خردمندانه بسببیز، در زمین زیبا وجهان وسیع و پهناور، تمام امکانات و زمینه های خوب برای رشد و انکشاف تو آماده است، چنان برزم که همه چیز را به نفع انسان و رفاه کتله های بشری و زیبایی جهان وطبیعت بپر خانی و درین روند مؤفقیتهای بزرگی را نصیب شوی.

ای انسان! اگر تو خود را خوب درک کنی، موقف ومسؤلیتهای خود را درست تشخیص دهی وبا هنوعان وهمسنگران یکجا در همسویی با سیر تکامل تاریخ حرکت آگاهانه نمای و برای نجات بشریت از فقر وفاقه گی و جهل ودانای دست اندر کار شوی وبه آثانی که در مقابل سیر نیرومند تکامل و پیشروی سد واقع میشوند و خوشبختی خود را در بدیختی وسباه روزی دیگران جستجو مینمایند چنان درس عبرت بدهی که دیگر مجال نیابند تا آتش جنگ که در جهان شعله ور ومردم جهان را سر گردان وبدیخت کنند.

در غیر آن آه مظلومان ومستمندان وخشم وطغیان آنها بمنابیه هستی آفرین و قهرمانان کار و ترقی وتعالی جوامع بشری، تبه کاران، چپاول گران و دزدان مال و ناموس مردم را با شرمندگی وسیه رویی به زباله دان تاریخ خواهند افکند وبه کیفر اعمال شان خواهند رسانید.)

مؤلف در پایان از خوانندگان انتظار دارد کمبودها ونواقص کتاب که لطفاً برایش بنگارند تا در جاهای بعدی با کمال افتخار به تصحیح بپردازد.در فرجام قسمت هایی از کتاب را مرور میکنیم ومرواریدهایی را از بحر تفکر دانشمندان فرا چنگ آورده به بازار جواهر فروشان بحیث نمونه عرض میداریم:

از حرف (آ)

آب پاک نخستین و خوترین داروی دنیا است

آب در یا به دهان سگ مردار نمیشود (سعی کنید به اشخاص تهمت وتوهین بسته نکنید.انجام خود رسوا میشوید.)

آبله کف دست مروارید است.

آبیکه آبرو ببرد در گلو مریز –از دیده خون بریز ولی آبرو مریز.

آدم بد چون گزدم به مردم نیش میزند

آدمی با عقل و دانش آدم است. شخصیت با جامه و دستار نیست

آدمیت نه به نطق است نه به ریش و نه به جان است، طی هم نطق و بزم هم ریش، خرهم جان دارد

آن درد که درمان نه پذیرد حسد است

آن دوست که بی وفاست دشمن بی از اوست

آن دیو بود نه آدمی زاد کز اندوی دیگران شود شاد

آبیکه آبرو ببرد در گلو مریز از تشنگی بمیر ولی آبرو مریز

آخند (ملا) شدن چه آسان انسان شدن چه مشکل (دنباله در صفحهٔ ششم)



عنوان کتاب : زندگینامۀ استاد عبدالرشید لطیفی
نویسندگان : داکتر عنایت الله شერთانی و داکتر لطیفی

سحر در شاخسار بـوسـتانی چه خوش میگفت مرغ نغمه خوانی برآور آنچه اندر سینه داری سرودی ، ناله ای ، آهسی ، فغانی چندمصراع بالا آسروده های اولین فیلم فارسی، اثر و ساختهٔ استاد عبدالرشید لطیفی به نام (عشق و دوستی) را به خاطری یادآور شدم که در طی زندگی نامهٔ این ابرمرد مطبوعات و تیاتر افغانستان، شما سرودها، ناله ها و فغان های جامعهٔ رami یابید که در نوشته ها ودرامه های لطیفی فقیـد انعکاس یافته ودرهمه ابعادآن تبارنموده است .

این کتاب پرمحتوا که باخط زیبای نستعلیق خطاط معروف وطن استاد محمد وزیر اخی کرخی هروی برشتهٔ تحریرآمده وچاپ حروفی جدیدآن با تعدیلات صورت میگيرد، مطالب رنگین وپر انبياه و دلپذیری رادربر میگيرد، تاریخ و شیوه های درامه نویسی و رشد هنر تمثیل رادرافغانستان به خوانندگان و علاقمندان ادب و فرهنگ و تیاتر ارائه میدهد. کتاب باچندسطر ببرازنده در صفحهٔ اول خود چنین اهلا گردیده است:(به همه هنرمندانی که دروطن عزیز، درآغازبحران پرتلاطم دستبردها واختناق ووبرانهای کشور، زمینه های هنری ومطبوعاتی وهنرستانهاروی شان مسدود گردید ومتواری شدند، ودر دیار هجرت وغربت برای زنده نگهداشتن هنرواستعداد و خلاقیت فکری وپیوند فرهنگی خود سعی وتلاش خستگی ناپذیر دارند.)

استاددا کترعنایت الله شერთانی درپیشگفتار کتاب بیانات پرمحتوایی دارد، که فشردهٔ آن بشما تقدیم میشود: (بنده چه در آوان تحصیل مکتب وجه به دورهٔ محصل بودم دردانشگاه کابل، اخباررادیو و مجلات وطن عزیز، نام نامی استاد عبدالرشید لطیفی رامکرر ذکر می کردند، یاد دارم. صحنه های تمثیل کابل به رهبری شان افتخار می ورزیدند واو رابه اسم(پلر تیاتر افغانستان) میشناختند، و استادصلاح الدین سلجوقی به اوقلب استادی داد. ممالک همچواریانام عبدالرشید لطیفی بخوبی آشنایی داشتند، باری یک هنرمندنقاش اروپایی چهرهٔ استاد رابه روش ریالیسم چنان نقش بسته بود که گویی استاددرحال تبسم است و با نگاه های تیزخود بیننده رابخود جلب می نماید.

ازفحوای نوشته های نویسنده وطیب بزرگواروطن پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی چنین برمی آید که شخصیت نامداروطن استاد عبدالرشید لطیفی درعالم تیاتر و تمثیل صاحب عمیق ترین معلومات بوده وبه زبانهای مختلف آشنایی داشت. همچنان برقرار فرمودۀ جناب آقای غلام حسین فعال یکی ازسابقه داران مطبوعات وطن چنین بر داشت میگردد که استاد مرحوم لطیفی ازمنابع ترکی وعربی ومنابع فرانسوی استفاده ها کرده، و آن معلومات واندوخته های پژوهشی را ازطریق تمثیل بخاطر ارتقای فرهنگ وسطح هنر تمثیل به وطنداران عرضه داشته است.

استاددانشمند وفیلسوف وطن عبدالله سمندرغوریانی که تحصیلات عالی خویش رادرجامعهٔ الازهر قاهره به پایان رسانیده اند، باری نوشتهٔ (توفیق الحکیم) مصری رادرمطبوعات کابل ترجمه کرده وگفتند که یقینا مرحوم استادلطیفی از آثار این نویسندهٔ طراز اول مصری استفاده های علمی کرده خواهد بود. باغتمان ازفرصت که استادغوریانی ازولایت هرات میباشند، از صحنه های تمثیل هرات گفته ها داشتند، وتاجیکه نویسندهٔ این سطور ازهربانان مسن در بارهٔ هنر تمثیل درهرات پرسیدم، به اتفاق هم گفتند که استادمرحوم عبدالرحیم سرخوش ازسر آمدان ورهبران بزرگ تیاتر درهرات بودند، همچنان اسماء گرامی ساتر هراتی، الفت وعبدالواحد بهره را که در تیاتر هرات وکابل خدمات ارزنده نمودند، به خوبی یاد کردند .

مرحوم استادلطیفی یکی ازبرازنده ترین شخصیتهای افغانستان میباشد که انوار تابان فهم ودانش وابتکارات خود رادرمطبوعات کشور، خاصه درهنر تمثیل بگذاشتند. از نوشته های برادرزادهٔ دانشمند شان پوهاندلطیفی چنین برمی آید که مرحوم استادلطیفی غریب نواز، دوست ورفیق ینویان وفر ا بوده اند. چنانچه که درمن این کتاب چنین میخوانیم که زمانیکه استاد روانشاد رئیس مرستون (بیتیم خانه) بودند، بخاطر تضمین آیندهٔ ینویان، فقرا ومساکین کورسهای فنی ومسلسکی راتاسیس نمودند ومرام ازتاسیس این شعبات رابایک شعر،برمعنی وموجز اظهار داشته اند :

سر شک از رَحِم پای کردن چه حاصل

علاجی بکن کز دلم خو نیاید

استادمرحوم لطیفی چو درآک ودانشمندو با استعدادبودند، از آن سبب به ترجمه وادایت بعضی از آثار بسیار مهم نو یسندگان شهیر دست یازیدند، و مهمترین از آنها را میتوان قسمتی از اثر ویکتور هوگو بنام (ینویان) راز بر عنوان (شعلانهای قره) نام برد. چون خود استاد کفایت واهلیت عالی وبلندی داشت، هرگز ترجمه هاراطوری انجام نمی داد که به جامعهٔ مامطابقت نداشته باشد. بلکه او خود استاد متبکر وفرزانه بود. مسایل ومطالب راباتمام معنی در مغز خودهضم میساخت وعصارهٔ آن را با روحیۀ تطبیق بامر دم می آورد. چنانچه او کلمات و الفاظ، امثال وحکم و اشعاری را باتمثیل می آمیخت که بر شنونده وبیننده اثرات درونی نماید ...

طوریکه گفته آمد، استاد از نوشته های جهانیان بیخبر نبود ووزبانهای مختلف دسترس کامل داشت، وبخواندن آثار مهم نو یسندگان چون توفیق الحکیم، شکسپیر، مولیر، راسین، انتوان چخوف، استان سلاوسکی، برنارد شاو خصوصا از نوشته های درامه نویسان ترک و عربی وغیره خود را مصروف میداشت، وبا وفق دادن افکار نو یسندگان به جامعهٔ ما ومداخلات عقلی وفکری خود، مطابق بروحیۀ جامعه ومردم درامه هامیساخت، واین البته بدان معنی نیست که استاد همه افکار خود را از بیرون بدست آورده است، بلکه آن استاد برازنده خود یکی ازمفکرین ومبتکرین بزرگی بود که بارها، ابتکارات خود را بصورت درامه های قح وخالص افغانی به نمایش گذاشته است، چنانکه در درام میراث، شام زندگی وامثال آن .

چون استاد لطیفی مرحوم از قهر جامعهٔ افغانستان برخاسته بود، واز عمیقترین موضوعات جامعهٔ خود واقف بود، از آن سبب آثار ونوشته های او دلپذیر و دلنشین میشد. استاذزمانی به فعالیتهای فرهنگی دست میزد که وطن ما سرازنو بطرف احیا وار قناء فرهنگ قدم بر میداشت، واز اینست که مرحوم لطیفی نه تنها درجملهٔ نو یسندگان وطن موقف گرفت، بلکه رهبری وراهنمایی های هنر تمثیل وتیاتر را به دست گرفت وآچه رami توانست (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر غلام محمد دستگیر

برومفیلد - کولورادو

گردهمایی «بنیاد آب» موفق بود

روز یکشنبه پانزدهم مارچ ۲۰۱۵، مطابق ۲۵حوت ۱۳۹۳، برابر با ۲۵جمادی الاول ۱۴۳۶، در تالار زیبای Canyon View Hallگرد همآئی جمع غفیری صورت گرفت تا از موسس دلنیا د آبله محترم شفیع عیار گردانندهٔ پروگرام تلویزیونی تلفیج عیار شوا در تلویزیون شبکهٔ بین المللی آقای مسکینار سخنانی چند بشنوند و بحث و مذاکراتی داشته باشند.

محل ساعت ۱۱:۲۳ قبل ازظهر با آیاتی چند ازقرآن مجید به قرائت امام Amarاز مسجد NCCکه خود اهل (مورا کو) اند، شروع شد. به تعقیب آن خانم صابره که بنام محترم صبرینه هم شهرت داشته مالک تالار زیبای فوق میباشد، بر یودیم ظاهر گردید. خانم صابره که از نواده های سیدجان آغا از جبل السراج اند اظهارداشتند که چطور، سه سال قبل، از تمنای زیرمو ترساختن کسی بنام شفیع عیار که برمقدسات ما تبصرهٔ نچندان خوب داشت، به مرحلهٔ رسید که همکار نزدیکش شده تالار خود را باغذای لذیذیکه برای ششصدنفر حاضرین (از جملهٔ ۶۵۰ نفر) تهیه دیده بود، در اختیارش بگذارد. خانم صبرینه به گفتار خود دوام داده گفتند که: به تدریج درک کردم که این مرد یک مسلمان خوب، معلومات عمیق در درسهای قرآنی داشته دوستدار حضرت محمد (ص) است که همیشه با (صلی الله و علیه و سلم) از ایشان یاد می کند، شخصیتی است که بوطن ووطنداران من علاقهٔ بی شبابه داشته دشمن اصلی خاک مرا که اولیای امورا استخباراتی، عسکری و سیاسی پاکستان است خوب شناخته است و هم پدید آمد که راستی بک تعداد احادیث غیر صحیح هم وجود دارد. وقتیکه مفکورهٔ (آب) او در جریان آمد درک کردم که راستی اگر بتوانم با او درین هدف مقدس همراه شوم و بتوانم از قطره ها جو بیار و از جو بیارها دریاهای خروشان اتحاد وهمبستگی به بار بیاوریم مردمان رنجکشیدهٔ خود را از شر چرخید های تهاکمن فساد و فساد پیشه گان زورمندان و دولتمردان خود سر برانیم میتوانیم که بهدف والای خدمت بوطنداران مستحق خود نایل آئیم (فشردهٔ سخنرانی بیست دقیقهٔ شان).

به تعقیب خانم صابره خانم دیگری شعری از آثارعرفی شیرازی را با صدای زیبا ودلکش خود دکلمه نمودند. محترم خلیل راغب گردانندهٔ پروگرام موسیقی پنج ستاره کمپوز جدیدشانرا که (قطره قطره آب دریا می شود) لیسینگ کردند که راستی زیبا نوشته شده بودوزیاتر سوره شد تقدیم کردند. محترم تیمورشاه حسن گردانندهٔ پروگرام خانه وخانواده معرفی شد وسخانی چندبه حاضرین تقدیم داشته خوانندهٔ محبوب کشور جواد غازی یار رامعرفی کردند که اوهم با آواز زیبایی که از حنجرهٔ طلائئی اش بر شنوندگان تاثیر سحر آمیز داشت کمپوز شادروان استاد ترانه ساز (خدا خدا گفتم) را تقدیم کرد. سپس محترم شفیع عیار عقب پودیم قرار گرفتند از ورود وطدارانیکه از مسافه های دور و نزدیک و اروپا و کانادا در گردهمآئی شرکت ورزیده اند، اظهار سپاس نموده گفتند: تا ده بجۀ شب در تالار با حاضرین شخصاً ملاقات کرده به هر نوع سوالیکه بفکر داشته باشند آمادهٔ است تا جواب عرض دارد. بفکر من این بهترین زمینه برای کسانی بود که در بارهٔ شفیع عیار و نظریاتش شک و تردیدی داشتند حاضرمی شدند وستوالات خود را در محضر عام به او می دادند وجواب می گرفتند .

برایم گفته شد که از محترم مان الحاج قاری صفی الله صمدی، ارشد ارشاد، پروفیسر داکتر عبدالستار سیرت، عمر خطاب، فضل غنی مجددی، متصدیان سازمان کلان سالان، دعوت بعمل آمده بود تادر این مجلس شرکت ورزیده ستوالاتی داشته باشند طرح نمایند؛ متأسفانه هیچکدام از اینها که من بیصبرانه انتظار داشتم تا آنها را از نزدیک هم ملاقات کنم وهم از جوابات شان خاطر مشکو کم منور گردد، که بخت یاری نکرد. آقای مسکینار خارج از کالیفورنیا سفر داشتند. (دسترکت اتورنی) محترمه ناهید که افتخار افغانها اند و رئیس بلده یا میر شهر سان رمون شرکت ورزیده بودند. به تأثر که محترم حیدر سلیم سنارهٔ جهان موسیقی ما و محبوب دلها بزودی نظربه ضرورتی که برایشان عایدشد مجلس راترک گفتند واز شنیدن آواز ناب شان بی نصیب ماندم .

گفتار آقای عیار که به فارسی سلیس و روان است بر پروگرام نمبر ۲۰۹ شان دیده شده میتواند که شما حتماً باید آنرا از نظر گذشتانده گفتارش را به غور و تعمق بشنوید. ضمناً به اطلاع شنوندگان خود رسانیدند که درسال ۱۳۵۷هنگام تحصیل MPCBرئیس اتحادیهٔ محصلین که در حدود ۲۵۰۰ عضو داشت، انتخاب شدند. ولی دیری نگذشت که اودر دام رژیم نابکار کمونست گیر ماندو روانهٔ بلجرجی شد. او بود که در جوار دفتر داکتر نجیب الله احمدزی قین و فانه میشد اما یکفر از اعضای خود را به چنگ مستظفین خود نداد وعجب اینکه گفتند : اگر امروز داکتر نجیب الله زنده میبود به او میگفتم آنچه گذشت، گذشت من باتو کدام خصوصت ندارم.

به تعقیب گفتار عیار شعر میهنی ولی سرخابی ازطرف محترم همایون جلالی دکلمه گردید. داوود رامش با کوردیوش هم سرودی داشتند که مورد پسند حاضرین مجلس قرار گرفت.

نمازظهر به امامت محترم داکتر فریدیونس اداشد و غذای لذیذ افغانی با شربنی باب لذیذ و میوه های رنگارنگ با دوستان و رفیقان صرف گردید وبجشهای خوب در بعضی میزها هنگام صرف غذا بمیان آمد. محفل بعد ازظهر با صدای رسا وخلیلهای زیبای خانم حوریه که خود را شاگرداستادمهوش میدانند آغاز یافت.

محترم فرید یونس هم خطابهٔ ، مثل همیشه، بسیار دلچسپی تقدیم کردند .

محفل بی نهایت منظم و با اساس قانون شهر که برای هر صد نفر باید یک نفر سیکوریتی حاضر باشد ما با پنج نفر افراد سیکوریتی و یک قلاده سگ سیکوریتی استقبال شدیم. خانم صابره یک مهماندار بی نهایت مهربان ومدیر با تجربه و کر کتر عالی است. من ازین گرد همآئی برداشت ذیل را دارم:

۱- انتظام عالی وپروگرام با اشعار زیبا، سازها و آوازهای میهنی. و سخنرانیهای که در جگرخراش ما را بمقابل بیعدالتیها وفساد کاربهای غیر قابل تصور مهـمـد توله ماتبارز میداد، فوق العاده دلچسپ شده بود.

۲- از سال ۱۹۷۹ به اینطرف که من در مجالس افغانی و غیر افغانی در بارهٔ افغانستان شرکت ورزیده ام این اولین بار است که با چنین جمع غفیر در حدود ششصد نفر افغانهای با نزاکت عالی، پیشامد خارق العاده، مهمان نوازی عنعنوی، و حسن خلق با همدیگر روبرو شدیم با یک استثنا که تعداد پشون های ما در این مجلس تنها با شمار انگشتان حساب میشد.

۳- آقای شفیع عیار، باحو صله مندی به ستوالتها ومخصوصاً به ستوال هائیکه بارها جواب داده بودند، بازمه با پیشانی باز، چهرهٔ خندان و بگان مزاحهای کو تاه جواب میدادند. باید متذ کر شد که کلمهٔ Habالانتخاب حروف مناسب انتخاب شده است. علاوه تأ مردمان کابلی الاصل همیشه (آب) را (هاب) تلفظ میکنند.

۴- آقای عیار قسمیکه وعده داده بودند به دور همیز و با هر گروپ از نزدیک دیدند و بحثها کردند .

۵- از خلال گفتارها پدید آمد که : انتخاب (قطرهٔ آب) معنی جامع و فلسفهٔ عمیق داشته در عمل موارد استعمال متعدد دارد. اول اینکه از همین قطرهٔ آب است که حیات حیوانی و نباتی بار میآورد . همین آب است که خداوند(ج) در قرآن پاک خود بار ها یاد کرده و آنچه به ارتباط بهار است(دنباله در صفحهٔ ۶)

باز هم به یل‌بود از سفير هارون امين

در شمارهٔ گذشته گزارش کوتاهی از مراسم فاتحهٔ شادروان هارون امین،

دپلمات ورزیدهٔ کشور، در ایالت ورجینیا انتشار یافت، که بناریخ اول مارچ ۲۰۱۵ بر گزار شد. در آن مراسم آقای میرویس صمدی شارژدافیر سفارت افغانستان در واشنگتن، پیام رئیس جمهور غنی احمدزی رادر بارهٔ وفات مرحوم امین به حضار قرائت کرد، سپس آقای فرید امین بیانیهٔ مشروحی راجع به زندگینامهٔ شاروان هارون امین ایراد نمود، که متن آن قرار ذیل است

جلالت‌اب آقای هدایت امین ارسلا، جناب آقای صمدی شارژدافیر سفارت کبرای افغانستان در واشنگتن دی سی، حضار گرامی، پدران، مادران ، خواهران و برادران عزیز ،السلام علیکم و رحمته الله!

الله تعالی در قرآن پاک ، شریف و بزرگش میفرماید که (کل نفس ذایقه الموت). هر نفسی مرگ را خواهد چشید. بنا اجزاء الله همه چیز خواهد مرد به شمول فرشتهٔ مرگ ، و تنها و تنها الله زنده خواهد ماند تا بهمه ثابت سازد که چیزی جزء الله تعالی زنده و ماندگار نیست. اسم من فرید امین است وبرادر بزرگتر هارون جان امین هستم. هارون جان دیگر در میان ما نیست و او مانند تحفهٔ بی زود آمد و زود هم از نزد ما رفت. انالله و انا الیه راجعون!

دعای زیبایی است که بخاطر داشته باشیم و آن اینکه: خدایا آنچه را تو دیر می‌خواهی من زود نخواهم و آنچه را تو زود می‌خواهی من دیر نخواهم. الله تعالی هارون جان را زود می‌خواست و ما آگاه به این رمز الله نبودیم ونیستیم. شایدهم هارون امین وظیفه اش را تمام کرد و بقیه کار را بما گذاشت تا تماش کنیم. بنا این برنامه یادبود هارون به همان اندازه که برای همه شما است ، چه پیر و چه جوان ، ولی بیشتر برای آنانی است که خود را هم‌زمان و هم‌بیمانان هارون جان میدانستند و میدانند و حتی بیشتر. این یادبود همچنان و بهمان اندازه که برای جوانانی است که خود را همراهان و همصداهان هارون جان میدانستند بلکه برای همه دیگران از جمله خواهران وبرادران ما ، چه پیر و جوان و هر کسی که با او شناخت داشت و خود را با او هم‌وا و سازگار میدانست ، میباشد.

هارون امین در همین واشنگتن شما بروز کردودر همین جاهم بزرگ و مشهور شد وتوانست دل بسیاری رانسخیر کند. او برادر کوچک من بود ومن بعنوان برادر بزرگتر ، در آوان جوانی رهنمای او بودم. او در خانه ما تیزهوش بود و همیشه وقتی به مشکلی بر می‌خور دیم ، او به آسانی راه حل ارایه میداشت و پیشنهادات خوبی میکرد. در حالات سخت، وی مارا زود به یک نتیجه خوب میرساند. هارون امین یک دریای پرتلاطم بود، یک حرکت خروشان بود که خاموش نمیشد ویک چراغ روشن وتابان بود یک جنبش بود. و شما جزء این دریای متلاطم و خروشان بودید .

شاید شما ندانید که هارون جان در زندگی اش سه بار مرگ نزدیک شد ولی جان سلامت برد. بار اول وقتی از جبهه از راه چترال رونده پاکستان شد، در راه حین گذر از دریایی، پایش به تیغ یک سنگ برنده می‌خورد و کف پایش شدید زخمی می‌گردد. تا حدی که حین گذر از کوه‌های شامخ که اکسیجن در قله های کوه کم بود وحدهس میزد جانش را از دست میدهد، یک نوشابه که یک رهگذر غریبی به او میدهد که حال او را تازه ساخت ، احساس میکرد که به او حیات دوباره داد. بار دوم پس از پایان یافتن مجمع سرتاسری فرماندهان جهادی در شمال ، هارون جان با ۳۶ تن از این فرماندهان مجلس را ترک کرد. در این حال فرمانده احمدشاه مسعود، هارون را درخواست کرد. باو گفته شد که او یکجا با فرماندهان حرکت کرده و نیست. وی امر کرد که رفته و هارون را بیاورند که به او نیاز دارد و او را آوردند. دیرتر اطلاع رسید که ۳۶ تن از فرماندهان همه در تنگی فرخار کشته شدند. وما یک هفته پستر ، پس از تلاش زیاد در یافتیم که هارون جان زنده و سلامت است و الله را شکر گفتیم. و بار سوم هم وقتی جلالت‌اب جناب عبدالرحیم غفورزی مرحوم ، صدراعظم کشور سفری به بامیان داشت وایشان دیدند هارون جان ایشان را همراهی نمی‌کند ، عاجل خواست وی آماده گردد، به ایشان گفتند که هارون جان تبی ولرزه داردو در بستر می‌ریزی قرار دارد ونمی‌تواند سفر کند. بناا اکثر مسافرن بشمول جناب غفورزی شهید شدند. البته آن‌عه که کمر بند هایشان را زده بودند ، زنده ماندند و آنانیکه کمر بند نداشتند ، شهید شدند. و در افغانستان ما ، اگر کس کمر بند نبندد ، تلقی می‌گردد که تو کلش بالله کم شده و بوسایل پناه برده که باعث میشود بعضی ها تدابیر امنیتی را جدی نگیرند. لذا هارون جان را سه حادثه مرگبار آنی نکشت ولی بالاخره سرطان ، جان عزیز او را گرفت و ما را در سوگ او نشانند. زندگی سیاسی هارون جان امین در ۱۸ سالگی شروع شد ولی سالها بیشتر شکل گرفته بود. او در آوان جوانی از امریکا روانه جبهه شد و پس از دو سال برگشت و درس هایش را آغاز کرد. او اصولیت های علوم سیاسی را آموخت و به درسهای که خوانده بود خیلی اهمیت میداد وعلاقه داشت خوانده هایش را تطبیق کند. هارون جان به یک قوم و قبیله ارتباط نداشت اوبهمه مربوط بود وباهمه هم کار میکرد. هارون جان همان درسهای راخوب آموخت واصولیت های آنرا همیشه مدنظر داشت و بهین سبب گرچه یک دیپلمات افغان بود باآتهم در مطبوعات امریکا ، قدرتمندترین کشور جهان چنان روشن درخشید که دیپلماتی ماند او هرگز نتوانست به اندازه او با این اوج شهرت برسد. ولی او قدم های متین و سالم برداشت و کوشید لغزد، چنین موقف و شهرت ، هر کسی دیگری را بخصوص در عنفوان جوانی ، ناتوان میساخت و از پا ز درمی آورد. او میتوانست مانند بسیاری دیگری به مادیات رو آورد و ازین شهرت و موقعش استفاده سوء کندوماک دارایی شود ولی او با اصولیت های کاری و مسئولیت‌هایش متین و پایدار گام برداشت و تا آخر هم چنان باقی ماند .

زنده جاوید ماند هر که نیکو نام زیست کز عشقش ذکر خیر زنده کند نام او شما میدانید که افغانستان در آن روزها در چه حالتی قرار داشت و مردم جهان چه برداشتی از آن داشتند. افغانستان دچار کشمکشهای سیاسی و میدانی بی اتفاقی هاوود وهر گروه بنوعی درگیر با دیگر گروهها بود و هر کدام دیدگاه سیاسی متفاوتی با دیگر داشتند. جنگ و اختلاف و بی سرنوشتی از هر سو شنیده می شد. ولی هارون جان با یک آواز رسا و بلند از افغانستان و موقف ملت دفاع می کرد و بار آمد نظر می‌گرفت و از همین سبب بود که توانست محبوب دل افغانها گردد و توجه دولتمردان امریکایی را بخود جلب کند و توجه جهانیان را بخود بکشاند و باآواز رسایش دردل هموطنانش آرامش بوجود بیارد. هارون جان در نتیجه فعالیت‌هایش، مسایل سیاسی کشور را چنان ارایه میداشت که افغانستان را برای بسیاریا وهم به کشورها ، قابل قبول و گوارا سازد، واز همین سبب اوعنوان جواترین وموفقترین دیپلمات را بخود گرفته بود.

در روزیکه هارون جان را بخاک سپردیم ، با آقای شیرزوی ، سابق معین سیاسی وزارت خارجه صحبتی داشتم که ایشان گفت:(روزی بایک دیپلمات امریکایی صحبت می‌کردم و وی در مورد هارون جان بمن گفت: این جوان را از کجا پیدا کرده اید که وی بهتر از ما مینویسد و بهتر از ما صحبت میکند ، وی یک نابغه است) .

هارون امین در کارهای سیاسی و فعالیت های دیپلماتیکش تیزهوش بود و راهگشا بود. افغانستان از بسیاری مشکلات بی پایان راهایی نیافته بود که گروه نوی بنام طالب ظهور کرد ومشکل را مسختر ساخت .(دنباله در صفحهٔ ششم)

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلويزيون ژوندن

مظهر تعصب زباني و قومگرايي در افغانستان
(به ادامهٔ گذشته)

آقای اسماعیل یون و متعصبین همفکر تان !
در یکی از مقالات قبلی از یک انسان جوانمرد، مژ مؤن صادق واز یک آدم نامرد منافق کذاب را داده بودم، که اولی فرزند شمالی، شاه حبیب الله کوهدامنی، و دومی نادر غدار، پیر و پیشوای تو وهمفکران تو بود . برای ثبوت ادعا، این دو وامتخصّری به مقایسه میگیرم تاراه قضاوتهای مردم ما را درمورد آنها کوتاه سازد، و ممدی برای روشن شدن ذهنیت توو هم جنسان تو گردد :

ـ شاه حبیب الله کوهدامنی وقتی به اریکهٔ سلطنت رسید، خواهران جوان امان الله خان درارگ بودند، شاه حبیب الله ایشان را به ایمان داری ومردانگی حفظ کرد، وفرمان داد(اگر کسی به این دخترها نگاه بد بکند، چشمش رامی کشم). از زبان بازماندگان آنهایی که در ارگ شاهی رفت وآمد داشتند، شنیدم که شاه حبیب الله کوهدامنی این دخترهای جوان را نزدخود خواست وخواهر خطاب کرد وبه ایشان گفت: (شما که خواهران امان الله خان هستید، خواهران من هم هستید، و اگر میخواهید پیش اقارب وخویشان خود بروید، میتوانید). وایشان را به رضاورغبت خودایشان به اقارب شان تسلیم کرد، وبه آنهاگفت که اگرکی موی سراین دخترها خیانت شود، من میدانم که باشماچه کنم، وآنگه گله ازخودداشته باشیدنه از من!) باز ایشانرا خواهر خطاب کرد وگفت شمارابه خدا میسپارم، هرچی که داریدبا خود ببرید، اگر مشکلی دیدید به من احوال بدهید. این مطلب منقّق الرأی توسط مؤرخین کشور تایید شده است.

اما زمانیکه نادر غدار حبیب الله کوهدامنی راشهید کرد، اقوام و خویشان و نزدیکان اورا از خردوبرگ، زن ومرد، پیر وجوان ازدم تیغ کشید، ویی بی سروری سنگری هسمر ودودختر خردسال شاه حبیب الله کوهدامنی راگرفتار کرد وبه زندان انداخت، ودر آن وقت یی بی سروری سنگری حامله نیزبود. اینکه نادر چه حالی وجه روزی برسر آنهاوارد کرد، کسی نمیداند، ولی هرسه رابرای بیست سال در زندان مخوف دهمزنگ بندی کردند، وبعدازیست سال، ایشان رابرای مدتی به زندان فراه وبعدا به زندان مزارشریف فرستادند. بعداز اینکه چندسالی رادر زندان مزارشریف سیری کردند به اساس گزارش جریدهٔ سیاوون، به امر محمد گل مومند، یی بی سروری سنگری رااز زندان کشیدند وجبرا به عقدنکاح دهقانی از قراء دوربخ درآوردند، که اجازهٔ بیرون رفتن از آن قریه رانداشت، ومامورین دولتی محمد گل مومند همواره اورا تحت نظارت داشتند. این مطلب را جریدهٔ میهن که ازطرف دفتر سازا در کابل نشر می شد، نیز نشر کرده است .

اماسرنوشت دو دختر شاه حبیب الله کوهدامنی در زندان به کسی معلوم نیست، وهیچکس نمیداند که بالین دختران یگانه در زندان چه کرده اند وجه حالی بالای ایشان آورده اند. از زبان بزرگان مزار شریف که ازخویشاوندان من هستند، شنیده ام که دراوایل هر دو دختر شاه حبیب الله رادر حالیکه دوعسکر تفنگدار هماریی میکردند، در روزهای بازار از زندان میکشیدند وآنها رامجبور به گدایی میساختند وعسکرها به مردم میگفتند که ایشان دختران سقو هستند، واین امر محمد گل مومند بود. مردم مزار دل شان به این دخترک هامیسوخت ولی از ترس حکومت به ایشان باری کرده نمی توانستند. بعدا سر و درک این دختر ها معلوم نشد، وآنها را از زندان نمی کشیدند. این دخترها یکی سه ساله ودیگری پنجساله بودند که پدرشاه شاه حبیب الله کوهدامنی راشهید کردند. ازسرنوشت آن کودکی که هنوز در یطن یی بی سروری سنگری بود، هم کسی اطلاع ندارد که چه سان تولدشد، دختر بود یا پسر؟ قسمت اولی این گزارش توسط مورخین کشور ازجمله شادروان غلام محمدغبار وشادروان میرمحمدصدیق فرهنگ نیز تایید شده است .

ـ برای شاه حبیب الله کوهدامنی قرآن شریف مبارک بود ومقدس، به آن تسلیم بود وبه آن تسلیم شد، وسرو جانش رافدای قرآن کرد، که واقعأ کاربرحق کرد. وآتجه بر زبان گفت همان را در دل داشت، برایش رضای خداوند(ج) و حفاظت مردمش هدف بود. ولی برای نادر قرآن مجید دام تزویر بود، آنرا به زیر پا کرد، یی حرمتی نمود وبه آن قسم خورد ولی وفانکرد، وبه قرآن مجید یی عزتی کرد که به تحقیق کارنادرست وظلم عظیم کرد وآتجه بر زبان راند در دل نداشت. برایش رضایت خودش وحفظ سلطنت درخانواده اش هدف بود ! ـ باری شاه حبیب الله کوهدامنی ازقصر دارالامان دیدن میکرد، سردارمحمد کبیرسراج همراهیش میکرد. وقتی این قصر رادید خوشش آمد، به اندازهٔ خوشش آمد که سردار کبیرسراج عرض کرد که اگر نام این قصر را ازدارالامان به دارالحیب تبدیل کند. شاه حبیب الله کوهدامنی گفت من هرگز این کار ناچوانی رانمی کنم، این قصر رامان الله ساخته، بگذار که بنام اوباشد، ومن قصر دیگری می سازم و نام آن را دارالحیب می گذارم.

اما نادر صفحهٔ یادگاری استقلال افغانستان را که امان الله خان در طاق ظفر پغمان اعمار کرده بود، محض بخاطر اینکه نام امان الله خان در آن ذکر شده بود، تخریب کرد وبجایش لوحهٔ دیگری گذاشت ودر آن نام خود را حک نمود و حتی آنروزی را که امان الله خان جشن استقلال رامیگرفت، نادر آنرا به دلخواه خودتبدیل کرد ! مسجد جامع عید گاه کابل که در منطقهٔ باغ علیمردان واقع است، جایگاه ادای نماز اعیاد برای امان الله خان بود، اویکجا باباشندگان کابل در عیدها در آنجا نمازمیخواند وعیدی مینمود، وجای دید وادید امان الله خان در لحظات حساس کشور بامر دم بود. این مسجدشریف سالیان درازی رنگ وروقی داشت. نادر آنرا از رونق انداخت وبه حالتی گذاشت که دیوارهای آن شکست ودرچمنهای آن سگها جا گرفته بودندوداخل این مسجدشریف را به گدام غله جات عسکری ساخت. وفرزندش (ظاهر) هم به پیروی از پدر این مسجدمبارک را بحالت خرابه گذاشت.

بخاطر دارم زمانیکه پسر کوچک بودم، پدرم به این مسجدشریف می رفت آه ازسینه میکشید ومیگفت این مسجدشریف چه روزگار با شکوهی داشت و جایگاه جمع وجوش مردم کابل بود وهرروز دیگرانه، هزاران باشندۀ کابل در چمن های آن نشسته لذت میبردند، در آنجا نمازمیخواندند. ولی حالابحالت ویرانه و زار افتاده وسگیای ولگرد در آن گشت وگذار می کنند، ومن خودم بچشم خود دیدم که سگها درچمنهای آن گشت وگذار میکردند وجوچه داده بودند. پدرم وقتی حالت زار این مسجدشریف را که بسیار دوست داشت میدید، خیلی غمگین میشد وبه زیر لب آهسته میگفت: (خدا نادره نبخشه) !

ـ شاه حبیب الله کوهدامنی انسانهای صادق ووفادار رادوست داشت و از اشخاص خاین ونمک حرام بیزار بود. اشخاص صادق ووفادار را اگر دشمنش هم میبود تقیرونوازش میکرد، وآنها یی را که برایش خیانت میکردند، هرگز مجازات نکرده ومحبوس نساخت. باری عبدالرحیم خان صافی که از افسران امان الله خان بود، ودر مزار شریف یکهازعسکر مسلح امان الله خان راسوق واداره میکرد، با سقوط دولت امانی خود را کابل رساند ودر تپهٔ مرجان سنگر گرفت، وبر علیه شاه حبیب الله که سلطنت را گرفته ودر ارگ شاهی بود، به جنگ پرداخت تاسلطنت رادوباره به امان الله خان بگیرد. جنگ چند روز دوام کرد وسراجام عبدالرحیم خان باوساطت کلانها کوهستان تسلیم شد. اورا نزد شاه حبیب الله کوهدامنی آوردند. شاه از او پرسید که چرا بر علیه من جنگ کردی،

در حالیکه تواز شمالی هستی وبرادر هایت همراه من است؟ عبدالرحیم خان صافی که مرد دلیر وصادقی بود، با گردن بلند گفت که من عسکر امان الله خان هستم، عسکر تو نیستم ومن نمی خواستم به او خیانت کنم . حالا که تو پادشاه هستی من مجبور شدم که تسلیم توشوم، توهرچی که در حق من میکنی اختیار داری همان کنی. حاضرین مجلس در اندیشه بودند که شاه حبیب الله کوهدامنی حتمأ عبدالرحیم خان را به دار میزند ویا حداقل اورا محبوس میسازد. شاه حبیب الله پیش آمد وگفت آفرین به تو وغیرت تو وبه صداقت تو! این شجاعت و صداقت توخیلی خوش آمد، یا که رویت رابوسم. شاه حبیب الله کوهدامنی اورا در آغوش گرفت رویش رابوسید وبه استادخلیل الله خلیلی، این افتخار تاریخ وفرهنگ کشور، که سرمشی شاه حبیب الله کوهدامنی بود، گفت که دور تبه بالاتر از آنچه عبدالرحیم خان صافی در سلطنت امان الله داشت، برایش منظور کرده ام .

کرنیل سراج الدین قزلباش، قوماندان غند توپچی امان الله خان که در تپۀ کوله پشته جاگزین بود، جنگ راعلیه شاه حبیب الله کوهدامنی به نفع امان الله خان آغاز کرد. چندین عسکر حبیب الله خان درین جنگ کشته وزخمی شد وشاه حبیب الله هم در آن زخم برداشت. سراجام سراج الدین قزلباش مجبوره تسلیمی شد. وقتی تسلیم شد، شاه حبیب الله اوراعفو کرد واو هم از عفو وبخشش شاه شکران نمود. کرنیل سراج الدین باز عسکر جمع کرد وجنگ راعلیه حبیب الله وبه امید باز گرداندن سلطنت به امان الله خان آغاز نمود وبعد از برخورد خونین چندروزه گرفتار شد، اورا نزد شاه حبیب الله آوردند، شاه از او پرسید: کرنیل صاحب چرا اینقدر بامن جنگ می کنی؟ هرباری که ترا عفو میکنم باز دربرابر من جنگ می کنی، چرا پادشاهی مرا قبول نمی کنی، آخرامان الله خان خلاص شده واز وطن رفته است ! کرنیل میگودمن میدانم که تو اکنون پادشاه هستی ولی من افسر امان الله خان هستم وبه او قسم یاد کرده ام که به او خیانت نمی کنم وبه او وفادار میشام و تازنده هستم به او وفادار هستم وبه او خیانت نمیکنم. شاه حبیب الله کوهدامنی گفت پس لازم است که به هندوستان بروی چون میترسم که مردصادق وفاداری چون تو کشته نشود. اورا هفتصد روپیه، یک اسب ودو نفر مسلح داد تا به هندوستان برود. مآخذ این داستان، دوست فرزانهٔ من است که از زبان داکتر محمد هاشم عصمت الهی فرزند کرنیل سراج الدین قزلباش آن راشنیده است.

ـ اما اتهاماتی در میان است که گویاشاه حبیب الله کوهدامنی فیض محمد کاتب هزاره را لت و کوب کرد وبه اثر آن او مرضی شده وفوت کرده است. این اتهامات بکلی بی اساس است، وساخته وبراختهٔ گماشتگان نادر وپیروان مکب فاشیسم پشتونیسیم است، که طی پیش از هفتاد وجندسال بر علیه شاه حبیب الله کوهدامنی گفته اند، که همه نادرست بوده وهدف آن واژ گونه نشان دادن شخصیت والا وخصایل نیکو وبرایمان شاه حبیب الله بود. اصل قضیه ازین قرار است که در آن آوانی که شاه حبیب الله براریکهٔ سلطنت رسید، قوم هزاره در هزاره جات بغاوت واغتشاش کردند، وبه پاس خدمت امان الله خان که ایشان را ازبندگی وغلایمی وکنیزی ساختهٔ عبدالرحمن خان رها کرده بود. شاه حبیب الله فیض محمد کاتب را که مرد باداش ومحبوب در میان هزاره ها بود، به ارگ شاهی خواست، اورا احترام یی حد کرد وبرایش گفت که تونمانندۀ من هستی، به هزاره جات برو واغتشاش را خاموش ساز، ویکو که بیعت کنند. من نمی خواهم کسی کشته شود. کاتب این مقام نمایندگی شاه را قبول کرد وگفت که اغتشاش حتمأ خاموش میشود وجنگ وخونریزی کار خوب نیست. شاه حبیب الله پول هنگفت برایش دادو زمینهٔ سفرش را به هزاره جان میسر ساخت. فیض محمد کاتب پولهارا باخود گرفته در هزاره جات به مردم تقسیم میکرد، ولی بعضی اینکه غشاش را خاموش کند، هزاره ها را تشویق میکرد که برای برگرداندن سلطنت به امان الله خان خاموش نشسته وبغاوت کنند. کاتب چندین بارین کابل وهزاره جات سفر کرد، از شاه حبیب الله کوهدامنی پول گرفت آنجا برد، تقسیم کرد ویجای اینکه اغتشاش را خاموش سازد ویعت بگیرد، مردم رایشتر به بغاوت تشویق می نمود .

شورش وبغاوت در هزاره جات روز بروز بیشتر میشد. به شاه حبیب الله از آنچه که فیض محمد کاتب هزاره میکرد، احوال دادند. شاه ازین خیانت کاتب سخت متأثر شد. سه روز شاه ازین خیانت ملول وغمگین شد، و دستور داد تا دروازهٔ ارگ رابروی فیض محمد کاتب بازکنند وگفت که از نمایندگی من اورا برطرف کنید. این خبر در میان همهٔ آنهایی که در اطراف شاه حبیب الله ودر مقامات دولتی بودند بخش شد وهمه به این خیانت کاتب واز اعتمادی که شاه به او کرده بود، در حیرت شدند واز او چنین توقعی نمی رفت . چون احوال به فیض محمد کاتب که تازه سفر هزاره جات رسید، خیلی متأثر شد ودید که همه به او به دیدۀ یک خاین مینگرند واجازهٔ حضور راندارد، از سمت نمایندگی شاه معزل شده است. چون او مرد فاضل ودانشمندی بود، ازین گناه غمگین ومتأثر شد. غم و اندوه سینه اش رافشرد ودر قلبش جا گرفت، جانش رافشرد و مریض شد. مریضی اش شدت گرفت ودوام یافت وبعدا پنج یاشش ماه فوت کرد. جزئیات بیشتر را درین مورد در کتاب (هجوم دوم منگلی) نوشتهٔ دانشمند مبارز کشور آقای استالفی میتوان مطالعه کرد .

آقای اسماعیل یون، واحداقت، ستارسعادت وسایر فاشیستان پشتون نیست ! برای شاههایی که سرتمبگی کرده وتجدید عهد نادر غدار را خط مشی خویش ساخته اید، اگر اینهمه شواهد تاریخی که از خیانت آن غدار به ملت افغانستان گفته شد، شما یان را تنبیه نکرده باشد، باز هم در شماره های آینده حقایق غمناک وجانوسز دیگری از نابکارهای آن غدار قومپرست را بیان میدارم، بلکه بر وجدانهای خفتهٔ شما اثری بگذارد، وبه راه خداوند (ج)، بکشاند، ودر برابر سایر اقوام کشور یش ازین شرمسار وخجلت زده نشوید ! / (دنباله دارد) .

رئیس مجلس به غنی وعبدالله : وقت کشی نکنید ! ریاست جرایبی: منتظر ارگ هستیم

۱۶ مارچ / کابل ـ ماندگار: عبدالروف ابراهیمی رئیس نمایندگان روز شنبه در نشست عمومی مجلس گفت: «تأخیر در معرفی اعضای باقی مانده کابینه به مجلس، غیر منصفانه ونگران کننده است. رئیس جمهور احمدزی وعبدالله باید در رابطه وقت کشی نکنند، غنی وعبدالله باید قبل از سفرشان به امریکا اعضای باقی مانده کابینه را به مجلس معرفی کنند تا حداقل در این «گیی برای گفتن» داشته باشند.

سیدحسین فاضل سانچار کی مشاور فرهنگی ریاست اجرایی در گفت وگوبا روزنامهٔ ماندگار گفت: از آدرس ریاست اجرایی در ارتباط به معرفی نامزد وزرا مشکل خاصی وجود ندارد و کار نهایی شده و در این مورد تصمیم گرفته شده وچهره ها نیز مشخص شده است. ما منتظر نهایی شدن کار توسط ریاست جمهور هستیم وتا آنزمان احتمالاً دوهفتهٔ دیگر نیز فرصت نیازاست. فرارسیدن رخصتی های نوروز وسفر رهبران دولت وحدت ملی به امریکا سبب شد تا معرفی نامزدان باقی مانده به تأخیر یافتد. سانچار کی افزود ریاست اجرایی هفت نامزدوزیر ا معرفی میکندو اعضای باقی مانده از طرف ریاست جمهور معرفی می شوند. موصوف ازین نامزد وزرا نام نبرد وگفت همزمان با معرفی آنان به پارلمان نام این نامزد وزرا در اختیار رسانه ها قرار خواهد گرفت. فاضل سانچار کی

سید اقا هنری

باز هم گوشه از خاطرات گذشته

ظاهر شاه قصد دیدار از بامیان کرد، باید بگویم این اولین وآخرین سفراو در طول چهل سال پادشاهی اش در ولایت بامیان بود، بعد ها شنیده شد از کمکهای ملل متحد باید از ولایت بامیان شاهراهی به ولایت هرات کشیده میشد، که ولایات غور و اروزگان راهم زیر پوشش میآورد، چرا درین مناطق آثار باستانی زیادی داریم که هنوز هم کشف نشده، ودر ولایت بامیان طبیعت شاهکارهای خود را نشان داده، میدان هوایی بین المللی ساخته میشد که پولداران اروپا و امریکا و اواخر هفتهٔ خود را در یند امیر بگذرانند.

بند امیر را دیده ام، اگر بگویم یکی از عجایبات دنیاست، مبالغه نکرده ام، ۹۰۰ فت عمق، شکل دایروی ودر حدود ۳۰۰ فت قطر دارد، هزاران رنگ حیرت آورسنگهای آن آشبار را آرایش وتزیین داده.ازین ارگ شنیده شد، میخواهید هزاره ها یک تخم راسه افغانی بفروشدند. دران زمان یک دانه تخم یک افغانی به فروش می رسید. بدین لحاظ ساخت این پروژه مهم برهم خورد.

محمدانور بشردپلمات وزارت خارجه برای مان قصه کرد. دانشگاه حقوق در زمان ما واقع دارالامان بود، روزی طرف خانه می آدمدم در قسمت علاءالدین بالا طره بازخان عصاجویی در دست به درویر سرویس صدا زد خلیفه مراهم بگیر، کلینر سرویس گفت خلیفه استاد نکن قاتل است.(بازم همدردی ات را) نامبرده در زمان هاشم خان قوماندانی ولایت کابل را کار میکرد. میر غلام محمد غبار مورخ بارد، در جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ مینویسد در زمان حکومت هاشم خان سرایها، مکاتب وحتى منازل شخصی مردم به زندان همشهریان ما تبدیل شده بود، روزی طره بازخان درسرای موتی آمده وبالای بندیان چیغ کشید، حکومت انگلیس مانند شاهینی است، افغانستان مانند گنجشککی در چنگالش می باشد، حال تان از این بدتر که سر کشی کنید.

مرحوم مصطفی رسولی در زمان ریاست جمهوری پادشاهی داؤود رئیس نشرات خارجی را دیو تلویزون بود. برایم گفت در رأس هیئت مطبوعاتی، با هنرمندان وموسیقی نوازان به تهران رفتم، مکتوبی ازوزارت اطلاعات وفرهنگ برای سفارت ما داشته که میرساندم، وارد سفارت شده خود را معرفی کردم که با سفیر می خواهم ملاقات کنم، ساعت ده صبح بود در سالون انتظار کشیدم، ساعت ۱۱ بچه سفیر با لباس خواب رنگ قرمزی داشت وبوی ویسکی اش مرا از امیداد آمد، بعد احوال پرسی گفت بول می خوری؟ تکان خوردم، چه می گوید دلم بد بگویم بول ته خودت بخو، دیدم شهزاده است از همین جا دست بسته به کابل روانه میکند. مجبور گفتم بلی چندلحظه بعد برایم یک کاسه سلاد درصرف چینی آوردند. دختری خیلی قشنگی ایطالوی ازپته های زنبه پایین آمد وبه اتافی دگری داخل شد، کسی برایم گفت بول در زبان ایطالیایی کاسه سلاد را گویند، بعد از صحبتی برآمدم این آقا داماد داوؤدخان، زلمسی غازی بود، که دختر داؤود را طلاق داده بود. همین آقا بود که زمین سفارت افغانستان را در بهترین نقطهٔ شهر تهران به پول گرانی برای یک یهودی ایرانی فروخت. پول آنرا کس ندید. گرچه وزارت خارجه دوسیه این خیانت را تکمیل کرد وبه شخص داؤود داده شد، اما کسی از آن چیزی نه شنید. این سردار چند سال بعد در امریکا در هو تلئ نسبت زیاده روی مشروبات مرد.

داؤودخان عیبی کلان داشت، وقتی به کسی دل داده بود، اگر خر سیاه هم هنگ میزد، دگرازوی دل نمی کند. غوث الدین فایق در کتابش می نویسد. آواز حسن شرق را که خیانتش را تلیفونی بر ملا میکرد ضبط کردم وبه رهبر شنواندم، اما نادیده گرفت. داکتر اسلم خاموش گفت، شاه رضای پهلوی پدر رضا شاه به جرم جاسوسی برای روس، پدر حسن شرق را در تهران زنده بگور کرد. حسن شرق، برای امریکا وبالاخصه برای روس جاسوسی میکرد. از همان اول حکومت داؤد دردوره صدارتش تا جمهوری یک لحظه هم از داؤد دور نبود. این داکتر بیطار چنان وطن فروشی میکرد. که داؤود با نه نمی فهمید یا وفاداری اش را بجا میکرد. هم چنین جلالر، بالاخره تمام اسناد خفیه را ازسفر داؤود به ممالک عربی، به روسها در قاره ره تسلیم کرد . به نظر بنده تصمیم روس ها برای برانداختن داؤد همین وقت قطعی شد.

کابینهٔ داؤود اقتدار از مردمان یی مقدار ساخته شده بود، که تقریبا همه اش عقده ای، نا فهمی بی تجربه مثل رسولی، وز بردفاع که نزد پیری مرید بود وبه گفتهٔ مرحوم ازاد زوی از چوکی مدیریت ذاتیه بالا تر کار نکرده بود. وزارت داخله را قدیر نورستانی، که ضابط ترافیک بود، از تکسی رانان بیست الی پنجاه افغانی رشوه میگرفت. وزارت داخله ووزارت دفاع ازوزارت خانه های کلیدی را برای شان تسلیم کرده بود. به همین منوال به پاس رفاقت با پدر سید عبدالله (سیدعبدلله خان وزیر داخله داؤد هنگام صدارتش) وی را وزیر مالیه ومعاون رئیس جمهور مقرر کرد.

سید عبدالله فا کولته را به زور سوته واسطه قبائلهٔ روباهی را در دست گرفت. نامبرده داماد سید قاسم رشتیا بود، با حضورداشت خسرش در مجلسی فامیلی گفته بود، ما میوندوال را مستند به خیانت گرفتم، رهبر خواب دیده بود، نقشهٔ کودتا در منزلی واقع دهبوری در تل بخاری میباشد، رشتیا گفته بود عبدالله جان من قبول میکنم، رهبر مردشچیغ، کاردان ونایغه است اما در ولی بودنش شک دارم .

اقای فیاض تایست ماهری بود، قسم اجیر در مدیریت سمعی وبصری وزارت زراعت با ما هم کاری داشت، قصه کرد. در سال اخیر وزارتش اقای عدالت که بودجه حکومت پاس میشد، وی را با هیئت معیبتی خود همراه گرفته بود. بیشتر گفته آمد که عدالت ازان وزری درجه اول بود، که اگر در پلان بودجه تغییراتی اید با بدمن دوباره آنرا تایپ کنم.

مجلس وزرا در قصر صدارت دایر شد، من در بیرون دفتر انتظار بودم، آوازوزنشار را بخوبی می شنیدم، اقای عدالت برای سد کردن لب در یای امو، بدون پلائی شش لک افغانی در خواست میکرد، وزیر مالیه میگفت من این قدر پول از کجا کنم. سه لک افغانی بس است، اما عدالت اسرار داشت شش لک، بالاخره وزیر معارف ومعاون صدارت اقای علی احمد بویل پا در میانی کرد وبه چهارلک فیصله شد.

قسمت زیاد سرحدات ما با اتحاد جماهیر شوروی دریای امو بود، انها طرف خود را سنگ کاری وسمنت ریخته بودند. اما طرف ما زمین های معمولی بود، هربار دریا موج میزد زمین را سست میکرد ودر چند جبههٔ دگر خاک زمین را با خود می برد، ودریا به طرف ما بستر خود را هموار می کرد. هرگاه تقسیم بندی می شد ما بازنده می شدیم.

تپهٔ آی خانم را نسبت قدامت تاریخی وهم رده های آب دریای امورا که در زمین های طرف ما آمده بود دیدم. تپهٔ های خانم قدامت تاریخی ازعهد سکندر کبیر دارد، که ۸ اوتوبر ۱۹۶۴ کشف شد ستون های قصر هنوز هم پریشان حال افتاده وباستان شناسان عمراتجارا پنج هزار سال تحمین میزنند. اما در اواخر سال ۱۹۷۰ باستان شناس امریکایی تمدن سی هزار سال قبل را ان جا کشف کردند/ (دنباله دارد)

هرچند دربارهٔ معرفی دوبارهٔ وزرای در د شده اظهار نظر نکرد، اماریان داشت که آنان تلاش می کنند تا چهره های جدید را به پارلمان معرفی کنند .

جنگ نیابتی ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

این مامول به هیچ صورت حق طبیعی ما را به حیث کشور مستقل برای دفاع از خود نفی نمی کند. من که همیشه از خواندن نوشته های ماندگار مطالب زیادی را می آموزم، درین مقاله شان شیخ دیدگاه های انحرافی (متفکر دوم جهان و تقلب سالار) را می بینم. بدین ترتیب بکار بردن اصطلاح جنگ نیابتی در رابطه با جنگ عادلانه دفاعی در کشور ما نا درست می باشد.اصطلاح جنگ نیابتی و حتی سپاه اجیر صرف در مورد طالبان و متحدین شان که بر علیه دولت افغانستان به اعمال دهشت افگنی و جنگ می پردازند مصداق دارد. /

هوشدار به جوانان ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

لیکن اندر خفا تدارک کرد
گر به‌های براق شیر شکار
لشگر گربه چون مهیا شد
لشگر موش ها ز راه کویر
در بیابان فارس هر دو سپاه
جنگ مغلوبه شد در آن وادی
آفتدرموش و گربه کشته شدند
حملةٔ سخت کرد گربه چوشیر
موشکی اسب گربه را بی کرد
الله افتاد در موشان
موشکان طبل شادبانه زدند
شاه موشان بنده به فیل سوار
گربه را هر دو دست بسته بهم
شاه گفتا به دار آویزید
گربه چون دیدشاه موشان را
همچو شیری نشست بر زانو
موشکان را گرفت و زدیبه زمین
لشکر از یک طرف فراری شد
از میان رفت فیل و فیل سوار
هست این قصهٔ عجیب و غریب
جان من پند گیر از این قصه
غرض ازموش و گربه برخواندن

باز هم به یاجبود هارون امین (دنباله از صفحهٔ چهارم)

ولی بازهم هارون جان با مهارت خاص و درک درست از حقایق و بدون آنکه خود را زیاد با همه درگیر بسازد، جریانات سیاسی را جهت میداد و در دل ها اطمینان ببیان میآورد.

افغانستان هنوز بعنوان یک کشور و ملت افغانستان بعنوان یک ملت مطرح نیست. این را از نظر علوم سیاسی خدمت شما میگویم. در کشور ما تا اکنون باهمه ملیت‌هایکسان معامله صورت نمیگیرد و افغانستان تا حال نتوانسته بستر آرامی برای همه اقشار کشور باشد که همه یکسان برای بهبودی آن در حالیکه نقش خود را در آن ببینند، عمل کنند. مثلاً در امر یکاصرفنظر از تفاوت‌های میان سپاه پوستان و سفیدپوستان که بحث جدایی است، لا اقل میان یک فرد نبراسکایی با یک نورت کرولانمایی و یا فرق میان یک فرد از لاس آنجلس با یک پورتلندسی وجود ندارد و یک عدالت اجتماعی نسبی حاکم است. هارون جان بعنوان یک سیاستدان ورزیده میتوانست راهگشای این مشکل کشورما باشد و آینده خوبی را میتوانست برای رفع این مشکلات راه اندازی کند.

اکنون هم که افغانستان در یک چهارراهی گنگ سیاسی قرار گرفته که با همسایه هایش مشکل دارد و هنوز موقعش بعنوان یک کشور با صلاحیت معلوم نیست، چون موقف لازم‌ه اش را هنوز کسب نکرده است و باهمسایه هایش به یک صلح لازم نرسیده است. در رسیدن به صلح بخصوص با پاکستان، هنوز در یک واماندگی سیاسی قرار داریم، باآنکه افراد ورزیده چون جناب آقای هدایت امین ارسال را داریم. در هیچ‌وحالتی شایدبه هارون جان که به پختگی سیاسی رسیده بود، بیشتر از هر زمان دیگری احساس شود که با استفاده از تجربیاتش، میتوانست دریشامد با پاکستان در بدست آوردن یک صلح همه جانبه و پایدار مفید واقع شود. وی البته جز یک روند صلح بود و در جلسات اش همیشه شرکت می ورزید.

به من پیام رسید که وقت کم است و هوا سرد و راه هم یخبندان و باید برنامه را خاتمه دهیم چون غذا هم آماده است. بنا از جناب سلیمان جان غفورزی که میخواست سخنرانی داشته باشد معذرت میخواهم. بنا باید به این بخش برنامه خاتمه دهیم. پیش از آنکه فراموشم شود باید بگویم از هارون جان، دوفرزند، پسرش آراین جان که ۹سال دارد و دخترش صوفیه جان که ۶سال دارد و خاننش لیلا جان بازمانده اند. ایشان به همدردی وهمنوایی و کمک شمانیاز دارند وامید فراموش نشوند و خود را جز اءین اجتماع بدانند.

من پیشنهاد میکنم دو فلم داکيومنتری یا مستند برای هارون جان ترتیب گردد یکی بفارسی و یکی هم بزبان انگلیسی تا گواه واقعی و حقیقی شخصیت وی باشند. و به این خاطر بکنم همه شما چه جوانان، بزرگان، خواهران و برادران که در زمینه کمک کرده میتوانید، ضرورت خواهد بود. طوری که میدانید وب سایت هارون امین بنام بنیاد هارون امین یعنی هارون امین فوندیشن دات اورگ ترتیب شده که در مرحله های مقدماتی قرارداد ولی در آینده تصمیم خواهیم گرفت چه کار های باآن بکنیم. فقط از شما یک خواهش دارم که نگذارید این چراغ خاموش شود.

دراخیر ازهر کدام شما که قدم رنجه فرمودید و دراین هوای سرد در این محفل فاتحه و یاد بود هارون امین مرحوم شرکت و بما همدردی تسلیت کردید به نمایندگی از خانواده ها، ابراز امتنان و تشکر کنم. الله تعالی دعاهای شماراقبول فرماید و به هارون جان مغفرت کندو در بهشت برین برایش جاه دهد. خداوند بزرگ نگهدار همه شما باد ! /

اخراج اجباری مهاجرین (دنباله ازصفحهٔ سوم)

بخاطر اخراج شان موجوداست. خانم تسنیم خان، سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان اخیراً گفت:(قرار است مهاجران اسناددار تااخیرسال از پاکستان اخراج گردند. مامیخواهیم ببینیم که آنهاچه وطن شان باوقار خوش برضا بازگردند. شواهدی دردست است که ازساحات متمرکز مهاجرین بدون اسناد برای پناهگاه دهشت افگنان استفاده میشود، به همین خاطر ما باید درباره اقدام نماییم.) نیک محمدخان یک جوان ۲۹ سالهٔ مهاجر پس ازچهاربار دستگیری و بازداشت، باخانواده دراخیر ماه جنوری پشاورراترک نمود. بازداشت اول وی دوروز پس ازواقعهٔ حمله برمکب درپشاورصورت گرفت. پلیس به خانه اش هجوم برد، پدرش را لت و کوب کردو تمام مردان خانواده را دستگیر وزندانی کرد. همسایه های مهاجراو هم به چنان سرنوشتی دچار شدند. نیک محمدخان گفت: هراری که دستگیر میشدم بمن میگفتند: توافغان هستی وهر کدام شمارا از پاکستان به خاطر قتل پسران ییگانه ما اخراج می کنیم.)

وی با ناامیدی به یادمی آورد که درحالیکه اودرغم وماتم خانواده های پسران مقتول غمگین شده بود، مورد آزار وادیت قرار گرفت. پس ازهردستگیری نیک محمدخان برای نجات خود رشوه پرداخته است. آنچه دارایی داشت دررشوت ختم گردید، بالاخره باهفت طفل وخانم خود و مقدار کمی دارایی توسط یک موتر کرایه به افغانستان مراجعت نمود.

باسداران مرز تورخم با دیدن آنهاهم مهاجران بازگشتی حیرتزده شده اند، یک مامور عالیرتبه در تورخم شمار مراجعین رادرروز ۳۰۰ تا ۴۰۰ خانواده که بیش ازیکهزار نفر میگردد، تخمین کرد. بازگشتنها توسط موترهای باربری پراز رختخواب، چو کی، چارپایی، لباس و سامان خانه دربالای آن اطفال از مرزعبور میدارند. درطول شپها که مرز بسته میشود، موترهای پرازمهاجرین بازگشتی درمرز متوقف ساخته میشوند. یک افسرپلیس تورخم اظهار کرد:(مهاجرین با التماس تقاضامینمایند که گذاشته شوند بداخل افغانستان یابند، ماآن هارامی گذاریم ازمرز عبورنمایند. تمام آنها ادعا میکنند (لت و کوب شده اند، سیلی خورده اند، تهدیدشده وبرایشان گفته شده دیگر هیچ کسی آنهارا درپاکستان نمی خوانهند).

باآنکه شماری ازبازگشتنها در جلال آباد خوشاوند دارند، شماردیگر هیچ کس رانمی شناسندونمی دانند بکجابروند. پانزده خانواده در هفتهٔ پیش در کنار یک کانال خیمه برافراشته و در آنهازندگی میکنند چیزی در سراط ندارند. کودکان شان از یک مزرعهٔ همانجا شلغم از زمین میکشند وبه خیمه می آورند. شلغم یگانه منبع قابل اعتماد غذایی آنها میباشد. این خانواده ها از کشمیر تحت کنترول پاکستان پس ازسی وینچ سال زندگی، در اینجا مراجعت کرده اند. آنها در زمان اشغال افغانستان توسط شوروی وقت، وطن شانرا ترک کرده بودند. مردان خانواده هارقهه های دستنویس مزین بامهر حکومت پاکستان با خودحمل می کنند که نشان میدهند آنها بازداشته شده بودند، و پس از تعهد که از پاکستان خارج میشوند، رها گردیده اند.

چند کیلومتر دورتر ازمرز، دریک مرکز سازمان بین المللی مهاجرت، یک پسر هشت ساله بنام قدوس از مادر خود سؤال میکرد که خانوادهٔ شان بکجا میروند، مادرش بنام پریگل جواب میداد:(ما به وطنی بر میگرددیم که از همانجا هستیم) ولی پریگل در یک مصاحبه بیان داشت:(من احساس میکنم که از خانهٔ خود تبعید شدیم وهیچ چیزی در اختیار نداریم.) پری گل شدیداً نگران شش کودک خود بو د : (ما هیچ چیزی به اطفال دربارهٔ افغانستان نگفته ایم، همهٔ شان چشم بسته می باشند.) /

معرفی کتاب (دنباله از صفحهٔ چهارم)

به جامعه تقدیم نماید، به یادگار گذاشت وهرگز چیزی رابخاطر خدمت به وطنداران دریغ ننمود.

البته مانمی توانیم به حکومات وقت وزمان خوشین عام وتام باشیم، زیرا هیچ درامه ای وهیچ صحنه ای بدون سانسور درروی ستیز وبابه نشر سپرده نمی شد، ومرحوم لطیفی ازین مشکلات وموانع بسیار دیده ورنجها کشیده است، چنانچه درین خصوص شعردیگری راز متن این کتاب چنین می یابیم :

ما چو واقف گشته ایم از چون وچند
مهر بر لب های ما نبهاده اند
تا نگردد راز های غیب فاش
تا نگردد منهدم عیش و معاش
استادلطیفی باهمهٔ این موانع ومشکلات از حوصله مندی کارگرفته تا دم واپسین در خدمت هنر تمثیل دست و پنجه نرم کرد، وطوریکه هویداست هنر تمثیل ازمشکل ترین هنرهاشمار میروند واین هنر به ماندن فلم وسینما نمی باشد، بلکه هنرمند یاممثل زمانیکه برستیز برخاست، باید از همه جهات کامل و محتاط باشد...

درصفحات بعدی کتاب زیرعنوان مقدمهٔ نوشتهٔ بنده (داکتر عبد الواسع لطیفی) مطالبی به نشر رسیده که فشردهٔ آن تقدیم میدارم : (تشویق پیهم دوستان داتشمند و گراقدر چون داکتر عنایت الله شهرانی استادسابق هنرهای زیبا در دیارتمنت تیاتردانشگاه کابل، وجهمی از علاقمندان آرت دراماتیک وهنر تمثیل، وهمچنان مساعی همه جانبهٔ ژورنالیست پرتوان، مدیرمحترم جریدهٔ وزین امید، کوشان عزیز به من جرئت داد تاصفحاتی از زندگی ارزندگی بر ارزش وپراتیاه مرحوم استادعبدالرشید لطیفی را که عم بزرگوار واستادمن نیزبود، به رشتهٔ تحریر آورم.

استاد فقید لطیفی چه در زمان حیات وجریان فعالیتهای شکوفان مطبوعاتی اش، وجه پس ازمرگ تراژیک وغم انگیزش، بهیث پیش قدم وپدر تیاتر افغانستان شهرت یافت، ومساعی و کارنامه های اودر این راه سرمشق و رهنمای بسا پیروان این هنرواین مکتب گردید. امید است متن وحواشی این کتاب محتوی زندگینامهٔ استادلطیفی، درراه حفظ وماندگاری خدمات ارزشمند و ابتکارات وخلاقیتهای هنری این نویسنده، ژورنالیست و دراماتیسث چیره دست وطن عزیز خدمتی را تاحدثوان انجام بدهد.

همین لحظه که این سطور رامینویسم، چهرهٔ متین وجذاب وفروزانهٔ استادعبدالرشید لطیفی، درجلوه های الهام بخش وفراموش ناشدنی وانعکاس ارشادات، رهنمایی ها، آثار وپدیده های هنری ومطبوعاتی اش پیش چشمم نمودار است. با بزرگداشت همین خدمات وخاطرات جاودانه وشخصیت درخشان مطبوعات استادلطیفی فقید است که این مجموعه به شمتاققدیم میگردد، تا به حیث یک کتاب نسبتاً کوچک ولی پرمحتوا درپهلوی کتابهای خواندنی تان مورداستفاده قرارگیرد.)

راستی در این جا باید یادآور شوم که در زمان تصدی مرحوم استادلطیفی به حیث رئیس موسسهٔ تعاونی دارالیتام (مرستون)، بنده در تهیهٔ بعضی مضامین مجلهٔ (برگ سبز) که از ابتکارات مطبوعاتی او بود، همکاری داشتم، باچشم سر دیدم که برای احیا وارفتاری آن موسسه خیریه چه ابتکاراتی را پدیدیار ساخت، مرستون همان منزلگاه مردم بی بضاعت وی وخانمان، وبناهگاه یتیمان وبیوه زنان بود که مرحوم استاد عبد الرشیدلطیفی باهمت وزحمات شیاروزی وابتکارات چشمگیر خود توانست درهمه شئون وابعاد آن طرح نو بیندازد و آن را به یک موسسهٔ تولیدی ومأمن کسب وآموزش وبرورش تبدیل کند، وتعدادی از مستمندان ومردم فقیر و گداهای شهررا تحت پروگرامهای ثمربخش تعلیمی وهنری وآموزش حرفه یی ومسلکی ازقبیل خیاطی، نجاری وبافندگی وامثال آن، از پرتگاه مذلت واضمحلا ویی سرنوشتی اجتماعی نجات دهد ودوباره به حیث افراد فعال و کاردان و عناصر آبرومند ودرستکار به جامعه تقدیم کند...

روی همین منظور استادعبدالرشید لطیفی نشریهٔ پرمحتوای مجلهٔ (برگ سبز) را رویکار آورد که در گوشهٔ صفحهٔ اول پشتی آن این بیت جلب توجه می کرد : سرشک ازرخم پاک کردن چه حاصل _علاجی بکن کز دلم خون نیاید وا اسفا از سیر فقهرایی حیات اجتماعی مردم مصیبت دیدهٔ افغانستان که برعکس آن روز ها که استاد لطیفی وامثال او صدها فقیر و گدا و بی بضاعت ویی خانمان را از فقر وفلاکت نجات داده به زندگی فعال وآبرومند جلب می کردند، امروز در اثر حوادث حسرتبار جنگ وخصومت و بی دادگری، هزاران نفر از حیات وفالایت و کسب و کار و شغل آبرومند اجتماعی شان اجباراً محروم گردیده، به فقر وفلاکت ویی چارگی کشانیده می شوند ... / (دنباله دارد)

گر دهمآیی بنیاد آب موفق بود (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

ایهٔ متبرکهٔ ۱۶۳سورهٔ بقره است که می فرماید: وما أنزل الله من السماء من ماء فأجابه الالأرض بعد ما وثها...به معنی اینکه:(و آنچه نازل کرد خداوند (ج) از آسمان از آبی پس زندهٔ کرد به آن زمین را بعد از مردنش...) (یا پیام نور) وما فال نیک گرفتیم وگفتیم سالیکه نیکوست از بهارش پیداست !

فلهذا یامیدواری در افق آرزوها در تاللوست تا بکنم ایزد متعال آن زمین وطن ما که فساد پیشگان دولت آنرا به مرگ مواجه ساخته اند با قطره های آب بنیاد آب یعنی خود افغانهای داخل و خارج مرز دوباره احیا شود، سرسبز گردد، آباد گردد، صلح و امنیت یابید و وحدت ملی قایم و دشمن شکن ظهور کند. تا بتوانیم سیاستمداران امریکارا مشوره های مدلل مهیا سازیم تا پول نکس ما را که حاصل زحمات شیاروزی و عرقزبیهای ماست به دشمنان خارجی مملکت و دزدان داخلی ما بی مسئولانه نسپارند.

عرب کمپوز(قطره قطره آب دریا میشود) متوجه شدم که سه کمپوز موسیقی تاریخساز در جامعهٔ افغانی مآظهور کرده، در پی خود موفقیتهای داشته است: یکی آهنگی به آواز استاد موسیقی استاد قاسم مرحوم است که خواننده بود: (گربه میدان آمده ایم.) که بالسترداد استقلال افغانستان توسط شاه غازی و فقید امان الله خان انجامید. کمپوزدومی درروز تجلیل یادبود سنائی غزنوی در واشنگتن دی سی رخداد. طوریکه، درحوالی بعد ازظهر بود که چهره هاغمین شد. اشک از چشمان سرازیر گردید، سقف تالار چرخش گرفت، گلوها بندمیشد و نفسها تنگ بود. زیرا، شنیدیم که مزارشریف بدست طالبها سقوط کرد. استاد خیال با آواز نازنین و پرکیف خود سرودند: (بار کج به منزل نمی رسد) تقدیم نمود. مقصد این سرابندگی معلوم نبود که آیا به مجاهدین گفته میشد که :چون بار تان کج بود به منزل نرسیدید ویا اینکه پیام میدهد به طالب که، چون بار شما کج است بمنزل نمی رسید، بهر صورت مقصد هرچه بود، امریکائها آمدند و طالبها را به شکست مواجهه ساختند... کمپوز سوم همین کمپوز تاریخیی (قطره قطره آب دریا میشود) است که با همبستگی، همدستی وهمدلی میتوان به دریای خروشان که هم نور وانرژی میدهد وهم حیات، انجام یافت. علاوه تا میگویند، قدرت آب بود که مصریها درجنگ اکتوبر ۱۹۷۳ بااسرائیل باجنگ یکمپوز دیوار مستحکم سرحداسرائیلی را ازهم در بندند و از نهر سوز کشته جزیرهٔ نمای سوز را دوباره بدست آوردند. اگر متوجهه شده باشیم جاهیکه مداوام قطرهٔ آب بر سخرهٔ چکیدن میگیرد بعد از مدتی در قلبش رخنه وارد میسازد و فرو رفتگی بیمان میآید که با چشم نمایان است.

۷.در نتیجه، با این قطره که هر فرد هست با هم یکجا شود دریا می شود، قوت اصلاحی می شود نه تخریبی. قوتی میشود بر آنها تا بکه ماوی پدری ما را دستخوش اعمال مفسد قرار داده از مردم خود دور، وبه یگانگان نزدیکی جسته اند.

۸.قطرهٔ آب بی کبر ومتواضع است، تبعیض رنگ وجنس و زبان و مذهب ندارد. بر خاک و گل و سنگ سخت هم می نشیند. بر گل و بر خارهم نزول اجلال میکند بر گل طراوت میبخشد و بر خار هم حیات میدهد تا تازه بماند و روزتوری را گرم و پنجه نانی بیرون آید. قطرهٔ آب با دریا و بحر هم فرو میریزد و هم پیمامیشود. پس قطرهٔ آب موهبتیست خلوداندى. من خوش هستم که آن موهبت امروز نصیب افغانها شد.

۹.شفیع عیار، رامن یک انسان متواضع، باحوصله، صابر، تردگوی، صادق، مصمم، دوستدار جوانان، خوش خلق، خطیب خوب، زیرک ودانا یافتم که خوش دارد درین مردم باشد و به نظریات شان گوش دهد.

۱۰- «بنیاد آب» درحال حاضر کدام اساسنامهٔ رسمی نداشته گروه لیدر شپ معین ندارد. دیده میشود که گرد همآیی پانزدهم مارچ یک قدم مقدماتی به صوب اهداف فوق بود. عیار نمیخواهد این بنیاد بنام او، بکفر، ختم شود. او آرزو دارد این افتخار یک گروه نخبانگ و دانشمندان داده شود تا آنها عالمانه در ایجاد اساسنامه وانتخاب لیدر شپ اقدامات لازمه در نظر گیرند.

۱۱- تأسف درینجاست که زمینهٔ بسیار مساعد برای ما و یک جمعیت بالخاصه ازین رفت. در اینجا باید از حسن خلق سیدنا محمد (ص) استفاده میشد و برای حاضرین نشان داده میشد که منطق آنها بلندتر از آنست که شفیع عیار زمزمه کرده است، نشان میدادند که، پذیرش دعوت یک روش محمدی (ص) پیشوای عالم اسلام است. نشان می دادند که، چون پیامبر (ص) که ما به گفتار و احادیث صحیح و متفق علیه شان اعتقاد کامل داریم روش شان را بمقابل یهودیکه بر ایشان خاکرو به حواله میکردند، در مسیر راه مبارک خار وخاشاک فرش میکرد؛ روزیکه مریض شد به دبدارش رفت، یهود حجل شد و کلمهٔ شهادت بزبان آورد. آنها نشان میدادند که، به اساس فرمان الهی، بر تفکر وتعقل بندگانش معتقدانده وآسان گیرند نه سخت. نشان می داند که آنها اهل فضل وخضوع اند و خود را از دیگران بلندتر نمیدانند و...و...و...

در اخیر آرزو مندم گرد همآئی های دیگر در ایالات و حتی ممالک مختلف برگزار گردد. بنیاد آب به پا ایستد تا بتواند مسئولیتی که در برابر وطنداران بی نهایت مسکین، غریب، رنج برده، علیل و ستم کشیدهٔ ما دارد، بجا آورده بتواند. و من الله التوفیق.

معرفی یک اثر ناب ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

آتش زهدو ریاخرمن این خواهد سوخت
حافظ این فرقه پشمینه بینداز و برو آدمی با عقل و دانش آدم است
شخصیت با جامه و دستار نیست آدمیت احترامی آدمی است
باخیر شو از مقام آدمی از حرف (الف) استبداد ترک بهتر از عدالت عرب اعتبار به علم و ادب است نه به مال و نسب
از بد بخت شدن کشور خودبه کشور دیگر رفتم، از بد بخت شدن خود به کجا روم؟

از بی ادبی، کس بجایی نرسد
حقا که ادب تاج سر مردان است
از صحبت شیخان دغل سوخت دماغم
ای باده پرستان ره میخانه کدام است
از صد طواف کعبه صوابش فروتر است
گر حاجتی شکسته دلی را روا کنی
از مردم صد رنگ سپاه پوش به
از خلق فرومایه فراموشی به
از مردم نامرد هرگز مردی نیاید
از کوزه همان تراود که در درن هست
دوستان ارجمند!

این بود چند نمونه از یک دیوان ۵۴۴ صفحه یی . من این کتاب را گنج شایگان نام میگدارم. طوریکه عرض کردم چون شما در لا بلای آن به صدها مصرع و ابیات بر می خورید که حامل پیامی رسا به خاطر اصلاح بشریت است. برای شما صحت وسلامت آرزو دارم. /

علاقتمندان گرامی امید توجه فرمایند

ادارهٔ امید از بابت تأمین هزینه های چاپ و توزیع با مشکلات ودست تنگی روبرو است. لطفاً با ارسال اعانه از این نشریهٔ خدمتگزار تان دستگیری کنید.

اظهار تأثر

مرگ استاد غلام علی آیین، مرا نهایت متأثر ساخت . این شخصیت بزرگ باهیچ کس مخالفت نداشت وبه حیث یک انسان شریف ویی آزار، فقط وقط دانش خودرا با کمال احترام به هموطنان خویش، که سخت مشتاق آن بودند، عرضه میکرد، ولی دریغ که حکومتهای وقت قدر اورا ندانستند، لاجرم به حیث یک آوارهٔ وطن، در دیار غربت به رحمت حق پیوست، وارادتمندان خویش را درسراسر جهان عزا دارساخت. خداوند به این انسان شریف و دانشمند رحمت بی پایان خویش را ارزانی فرماید .

سیدفقیر علوی

چند غزل ناب از شاعر ارجمند

جناب محمدنسیم اسیر

طالع بیدار

ای کاش که تاهست سزوار تو باشم

«همسایۀ دیوار به دیوار »تو باشم

تادم به لبم هست فقط نام تو گیرم

گردست دهدخاک سرکوی توگردم

سرشا تر از مستی چشمان تو نوشم

صد بار اگرم مفت به بازار فروشی

دیوانگی ام شهرةٔ آفاق شد ، اکنون

از لعل تو لبخند شفا بخش ندیدم

برخاک سرکوی تو گر جای گزینم

گفتم که مگر طالع من رفته بخوابست

از زلف، رسن ساختی و کردی اسیرم

بر پای ، رسن دار و وفادار تو باشم

صد جام اگر سر بکشم مست نگردم

مست تو «اسیر »تو و خمار تو باشم

عقل سلیم

در مُلک ما هجوم عجائب هنوز هست

غم هست و درد هست وغرائب هنوز هست
گفتند، جمع شد گلــــــم جنگ طالبان
تا بنگری ، اسامه و طالب هنوز هست
دستی برون نشد که مصیبت زدا بود

طالب هنوز هست و مصائب هنوز هست
بیداد می کند ســـــــتم زورآوران
افسانه های ظالم و غالب هنوز هست
حاضر نمی شوند، که دردی دوا کنند

مضمون تلخ حاضر و غائب هنوز هست
دادند اگر به چرب زبــــانی فریب ما

آن وعده های دلکش و جالب هنوز هست
نومید هم مباش که در مُلک ما «اسیر»
عقل سلیم و فکرت صائب هــــنوز هست
ازنکه سنجان محترم درعدم مراعات دقیق قافیه عنذر میخواهم.

کنج زر

عکس لبان گرم تو در ساغر افتاد
لرزید دست و جام ز ستم بر افتاد
کار دلم به آن صنم کافر افتاد
اسلام زاده را چه بلا بر سر افتاد
در زندگی وصال تو کی میشوذنصب
می دانم ، این معامله در محشر افتاد
حرف رقیب می شنود در غیاب من
از بسکه یار ساده و خوشباور افتاد
مشت سپند ساخت مرا دست روزگار
آن نیز دانه ای شد و در مجمر افتاد
شد وصل اونصیب پس از عمرها «اسیر»
گویا به دست مفلسی کنج زر افتاد

آسیاب زندگی

تا به خود آییم که بشمارم حساب زندگی

ترس مرگ آمدبه رویم بست باب زندگی
از عدم تا به عدم، این نیمه راه مرگ را
یک قلم ارزش ندارد انتخاب زندگی
پای کوه خامش هستی صدا کردم بلند
نیست غیر از نیستی ، اینجا جواب زندگی
جلوهٔ آب حیاتم داد اما حیف ، حیف
تنشه لب ماندم به امید سراب زندگــــی
خوف جان کندن نمی ماندو گرنه سالهاست

داده ام با جمله خوی ها جواب زندگی
اعتبار زندگی نسیم نفس هم بیش نیست
دیده ام این نکه روشن در شتاب زندگی
با طلوع کوکب ناساز طالع خوانده ام
خیره گردی های رنگ آفتاب زندگی
یک نظر وا کردند آنجا زهم پاشیدن است
بی سبب منزل چه سازی در حباب زندگی
هر طرف رومیکنم درهای شفت بسته است
نیست امید گشود از هیچ باب زندگی
اختلاط ما عجب شیرین و شور افتاده است
تو شراب ناب نوشی ، من کباب زندگی
لعل تو بوسیدن و پیمانه بشکستن خطاست
آن صواب زندگی ، وین ناصواب زندگی
ساختی چون دانهٔ گندم مرا خُرد و خمیر
ای فلک ! در زیر سنگ آسیاب زندگی
داستان من «اسیر»ازس حزن افتاده است
قصه می سازند از آن بهر کتاب زندگی

نجیب الله دهراد

پیشنهادی به داکتر مریم سیاست !

برای آنکه گزینش نامزد وزرا، و انتخاب روسا و معینان ده ماه دیگر از عمر انتحاری مان را هدر نداده، و انتظار تشکیل کابینه هر چه بیشتر از حد نگذرد، علی الفور دست به قلم شده، تعدادی از شخصیت های کشور را، بر حسب تناسب اسم مبارک با چوکی چوبی، در پست های ذیل پیشنهاد مینماییم.
امیدواریم داکتر مریم سیاست افغانستان، این پیشنهاد عاجل را منجیت نسخهٔ درد ما و خود شان بذیرفته و بالای بیماران و بیکاران ملت منت گذارند:
اشتهای اداری اگر اجازه داد، غم مشاورین(سمارقی) حکومت ملی را هم می خوریم.

در پست وزارت محترمان :

جلال نورانی، به حیث وزیر آب و برق (با معینیت حبیبه سراپی)

وحیدالله شهرانی به حیث وزیر امور شهرسازی

محمد هاشم زارع به حیث وزیر زراعت

محمد امین فرهنگ به حیث وزیر اطلاعات و فرهنگ

حوا نورستانی به حیث وزیر امور زنان(حوا؛ اولین زن تاریخ قبل المارچ بود)

شاکر کارگر به حیث وزیر کار، شهدا و معلولین (با معینیت غلام فاروق مجروح و عبدالرحمن شهیدانی)

محمد کبیر مرزبان به حیث وزیر سرحدات

در پست ریاست های کلان و کمسیون ها محترمان :

رمضان بشردوست، به حیث رئیس کمسیون مستقل حقوق بشر

برشنا نظری به حیث رئیس شرکت برشنا

قطب الدین هلال به حیث رئیس هلال احمر (سره میاشت)

محترم گل محمد پهلوان به حیث رئیس کمیتهٔ ملی المپیک

محترم میراحمد جوبنده به حیث رئیس آرایس اداره عالی تفتیش

عبدالصبور خدمت به حیث رئیس خدمات سکوری.

آصفه شاداد به حیث رئیس حفاظت محیط زیست.

در پست معینیت تخنیکیی محترمان :

حاجی الماس زاهد به حیث معین وزارت معادن

ابراهیم عادل به حیث معین وزارت عدلیه

محترم احمد شاه رمضان به حیث معین وزارت حج و اوقاف

زکریا سودا به حیث معین وزارت تجارت

و خود معین مرستیال به حیث معاون ارشد «جلائشآب »ثانی در عرصهٔ حکومنداری خوب !

در پست مشاوریت محترمان :
حین پالیدن ۴۱۹فام (با مسمای دیگر) برای مشاورین حکومت وحدت ملی، متأسفانه گول(گپ پیش خودمان) سه پیره «ساری»گفت. (برگرفته از سایت خراسان زمین)

استادعظامحمد نور گزارش دیدبان حقوق بشر را محکوم کرد

۱۲ مارچ/مزار شریف - نور تی وی:
از یستمین سالگردشهادت عبدالعلی مزاری رهبر یشتین حزب وحدت اسلامی در شهر مزار شریف بزرگداشت شد.
استاد عظامحمد نور سرپرست ولایت بلخ و رئیس اجرایی جمعیت اسلامی افغانستان یکی از سخنرانان این محفل بود.
آقای نوردرین همایش نشر گزارش دیدبان حقوق بشررا محکوم کرد و آنرایی اساس وغیر معیاری خواندو گفت درین ولایت کشت موادمخدرصفر شده، زمینهای غصب شدهٔ دولتی ازدست غاصبان پس گرفته شده و قانون به گونه درست تطبیق می شود؛ پس چگونه دیدبان حقوق بشریک گزارش به دوزار واقعیت را نشر میکند؟

به گفته استاد عظامحمد نور سرپرست ولایت بلخ، برخی حلقات در تهیبه گزارش دیدبان حقوق بشرقراردارند و آنها می خواهند چهره های تابیناک مجاهدین را در میان مردم خدشه دار کنند، ولی این نیت شوم آنها هیچ گاه تحقق نمی یابد.
استاد عطا تأکید کرد که توطیه دسیسه گران را در نطفه خشتی می کند و چنین توطیه های ره بجای نخواهد برد.
آقای نور نشراین گزارش را هدف قراردادن مجاهدین عنوان کرد و افزود که علیه دیدبان حقوق بشر اقامه دعوا خواهد کرد.

در همین حال استاد محمدمحقق معاون دوم ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی میگوید که دشمنان مردم افغانستان کسانی را که با این خاک صداقانه خدمت میکنند هدف قرار میدهند.
دشمنان مردم افغانستان میخواهند در میان مردم افغانستان نفاق ایجاد کنند و مردم را رو در روی هم قراردهند.
آقای محقق مردم افغانستان را به وحدت و یک پارچگی دعوت کردو از آنهاخواست فرزندان شان را برای فرا گرفتن علم و دانش تشویق کنند.

مجلس نمایندگان نظام انتخاباتی کشور اصلاح شود
۱۶مارچ/کابل - نور تی وی:اصلاح نظام انتخاباتی یکی ازمواردیست که درتوافقمنامهٔ ایجاد حکومت وحدت ملی به آن تأکید شده، اما با گذشت یش ازشش ماه ازعمر حکومت وحدت ملی هنوزهم کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی ایجاد نشده است.
پیش ازین رئیس جمهوری ایجاداصلاحات در کمسیونهای انتخاباتی راز اولویت کاری خود خواند بود.
غنی احمدزی گفته بود بزودترین فرصت برای اصلاح نظام انتخاباتی کشور اقدام میشود.
تأخیر درایجاد کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی سبب شده تا احزاب سیاسی و نهاد مدنی از این بابت نگرانی کنند.

نهادهای انتخاباتی از رهبران حکومت خواسته اند هرچه زودتر اقدام به آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کنند و در این مورد با جامعه مدنی و نهاد ناظر انتخاباتی مشورت کنند.

بالاينهمه شماری از اعضای مجلس نمایندگان با نگرانی از این وضعیت باری دیگر به اصلاح نظام انتخاباتی تأکیدمیکند.
قیب الله فایق عضو مجلس میگوید اگراصلاحات درنظام انتخاباتی به میان نیاید، مردم حاضر نیستند تاپای صندوقهای رای بروند.
این عضو مجلس تأکید میکند اگر درنظام انتخاباتی و کمسیونهای انتخاباتی اصلاحات لازم به وجود نیاید، انتخاباتی بعدی بد تر از گذشته خواهد بود.

نمایندگان مردم بر آوردن تغییرات گسترده در کمسیونهای انتخاباتی تأکید میکنند ومیگویند توزیع شناسنامه های الکترونیکی به شهروندان میتواند در اصلاح نظام انتخاباتی کمک کند.

شکیبا هاشمی عضو مجلس نمایندگان میگوید ریاست جمهوری و برخی ازحلقات داخلی وخارجی اجازه نمیدهند که شناسنامه های الکترونیکی برای شهروندان توزیع شود.
بانو هاشمی تأکیدمیکند که توزیع شناسنامه به شهروندان میتواند ثبات دایمی در کشور را حفظ کند و امنیت را تضمین کند.

تأکید همه طیف های سیاسی بر اصلاح نظام انتخاباتی در حالی صورت می گیرد که حکومت تا هنوز در این راستا سهل انگاری کرده است . گفته می شود که اختلافات میان رهبران حکومت وحدت ملی سبب تأخیر ایجاد کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی شده است .

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

جسد شهلا عطا در خانه اش پیدا شد

۱۲مارچ/کابل - نور تی وی: جسد شهلا

عطا عضو پیشین مجلس نمایندگان در خانه اش پیدا شده است.
صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله گفت جسدخانم عطا در منطقه شهرنو در یک ساختمان رهاشی یافت شده وپلیس برای انجام تحقیقات به محل اعزام شده است.
هنوز دلیل مرگ خانم عطا روشن نشده است؛ اما آقای صدیقی می گویدبر اساس بررسی های ابتدایی نشانه ای از قتل در این رویداد دیده نشده است .

جسدخانم عطا برای تحقیقات بیشتر به طب عدلی فرستاده شده وپلیس پس

از تحقیقات جزئیات بیشتریابه خواهد کرد .

برخی از ملا امامان : تجلیل از نوروزکار مجوسیان و زرتشتیان است و حرام می باشد

با نزدیک شدن نوروز، تبلیغات برخی از ملاامامان در مساجد و منابر شدت گرفته و آنها تأکیددارند که تجلیل از نوروز حرام است و نباید کسی از آمدن فصل بهارخوشی و استقبال کند، لباس جدید بپوشد و یا هفت میوه آماده سازد.
به گزارش خبرنگار آرمان ملی، در خطبه های نماز جمعه دربرخی ازمساجددر کابل، ملا امامان مثل گذشته، تجلیل نوروز را حرام دانستند.خطیب مسجد جامع شیرپوره نماز گزاران هو شدار داد که اگر نوروز را تجلیل کنند، برخلاف احکام شریعت عمل خواهند کرد و منتظر عذاب الهی باشند.وی تجلیل از نو روز را پیروی از ادیان باطل چون زرتشت و مجوسی تلقی کرد و گفت، رفتن به زیارت سخی به شهر مزارشریف نیزخلاف شریعت است.امابرخی دیگر آنان به این باورند که اگر تجلیل نوروز انگیزهٔ دینی نداشته و آلوده به خرافات نباشد، اشکالی ندارد که مردم از ورود فصل بهار، نسیم و نشاط استقبال کنند و آن را گرامی بدارند.

خواجه بشیر احمدانصاری از پژوهشگران مشهور و برجستهٔ اسلام در نوشتهٔ مخالفان تجلیل از نوروز رادرقطار افراط گرایان وسپاهیان انتحار و مرگ و تباهی تلقی کرده و گفته اندبرخی باسر کردن عمامه و سرمه کردن چشم تصورمیکند که به خدا نزدیک شده و صلاحیت دارند تاهرامی را که دلشان خواست، حرام وباحال اعلام کنند. او حدیثی از انس بن مالک که براسناد آن برخی تجلیل ازنوروز را حرام میدانند، تحلیل کرده و گفته است به هیچ صورتی نمیشود از این حدیث استنباط کرد که تجلیل از نوروز حرام است.

قابل ذکر است که در گذشته و حال که بیشترمردم و حکومت، در کشورنوروز را تجلیل میکنند و به گفته ها چندان توجه نمی کنند .

نگرانی مجلس سنا از فرایند گفتگوهای صلح

۱۵ مارچ / کابل - نور تی وی: رئیس اجرایی حکومت در گفتگو بابیک روزنامه هندی گفت چین در فرایند تأمین صلح با گروه طالبان سه بار گفتگو کرده است. این نخستین بار است که یک مقام حکومتی آغاز گفتگوهای صلح باطالبان را تأیید میکند. اما اعضای مجلس سنا از گفتگوهای پشت پرده صلح نگرانی دارند. نمایندگان این مجلس، از حکومت میخواهند گفتگوهای صلح به صورت شفاف انجام شود.محمد علم ایزدیار معاون اول سنا گفت پیشبرد گفتگوهای صلح در پشت درهای بسته به نفع کشور نیست. آقای ایزدیار از حکومت میخواهد از چگونگی فرایند تأمین صلح در کشور باید مردم آگاهی داشته باشند.

در همین حال عتیق الله هاتملل معاون وزارت خارجه میگوید تازمانی که همه مهاجران افغانستان از بیرون کشور بازگشت نکنند، تأمین صلح در کشور دشوار خواهد بود. آقای هاتملل تأکید میکند که از مهاجران افغانستان، مقیم دیگر کشور با بعنوان ابزار فشار علیه کشور استفاده می شود.

در حالی اعضای مجلس سنا از گفتگو های پشت پرده صلح نگرانی دارند که پیش از این مجلس نمایندگان نیز از حکومت خواسته بود که در فرایند تأمین صلح مردم را در جریان قرار دهد .

۶۰٪ مشکل برق کابل حل شده است

۱۱ مارچ/کابل - نور تی وی:
بود برق یکی از چالشهای عمده فراراه مردم افغانستان بو بزه شهریان کابل در سرمای زمستان است. دوهفته پیش به سبب برف کوچهای سنگین در شاهراه سالنگ سه پایه انتقال برق تخریب شد. همین دلیل شهریان کابل درین اواخر در نبود روشنایی برق زندگی میکنند.عبدالرزاق صدقی رئیس شرکت برشنا گفت ۶۰درصد مشکل برق باشندگان کابل حل شده است. به گفته وی، کارمندان این شرکت توانسته اند که در چهار روز گذشته، ۹۰ میگاووات برق را از طریق پایه اضطراری داخل سیستم کنند.

بالین حال آقای صدمی تأکید میکند که درصورت مساعد شدن وضع هواپایه های تخریب شده تا سه هفته آینده نوسازی و برق باشندگان کابل به صورت دایمی تأمین خواهد شد.

مردان خشمگین زنی را در کابل سوزاندند

۱۹مارچ/ کابل - بی بی سی:مقامهای امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.
در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه های امنیتی گفت: حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه‌ای از قرآن را به آتش کشید و ده‌ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند.او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام داخله خشمگین شود.چندساعت بعدتر، صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله گفت مقامهای امنیتی هنوز دقیقاً نمی‌دانند چه چیزی باعث کشته شدن این زن شد.این حادثه در نزدیکی مسجد شاه دوشمشیر به مرکز کابل روی داد .

تولویون‌های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده‌اند. ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه‌های اجتماعی به وبژه فیسبوک به شکل گسترده‌ای هم‌رسانی شد. در ویدئوها دیده می‌شود که پلیس کاری انجام نمی‌دهد .

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخهٔ آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

روند صلح و دیدگاه دوگانهٔ حکومت وحدت ملی

۱۷مارچ/ کابل -صدای امریکا: سخنگوی رئیس اجرائیه میگوید پیشرفتهای قابل ملاحظه در زمینهٔ مذاکرات صلح طالبان و حکومت افغانستان صورت نگرفته است.
مجیب الرحمان رحیمی روزسه شنبه گفت حکومت وحدت ملی برای انجام مذاکرات صلح آماده است و تلاشهایی برای انجام مذاکرات ازسوی چین هم شده، اماپیشرفتهایی تاحال وجودندارد. تاحال پلانی برای این گفتگوها ترتیب نشده ودو تیم رئیس جمهورورئیس اجرائیه هم باید روی مواردی گفتگو کنند.

رحیمی گفت چگونگی مذاکرات، ترکیب هیئت مذاکره کننده، طرزاعمل انجام مذاکرات ودیدگاههای مشترک هردو تیم، مواردی اند که تا هنوز نهایی نشده است.

درحالیکه روز گذشته حکمت خلیل کرزی معین سیاسی وزارت خارجه گفت پیشرفتهایی در زمینهٔ مذاکرات صلح صورت گرفته است و این مذاکرات به زودی آغاز خواهد شد.

اماجرا اظهارات ضدوقضی ازسوی رئیس جمهور و رئیس اجرائیه در مورد مذاکرات صلح وجود دارد. عزیز رفیع رئیس مجتمع جامعه مدنی دلیل اصلی تمام اختلافات و اظهارات ضد و نقیض را، پهران عمیق اعتمادمیان رئیس جمهور ورئیس اجرائیه میداند؛ چرانی که افکارعامهٔ افغانستان را بشدت متضرر ساخته، این وضعیت اعتمادمردم را در کل نسبت به روندصلح ازین برده مینواند. طرفین نباید با سرنوشت ملت بازی کنند و باید شفافیت جاکزین ابهام در این روند شود. از مذاکرات پنهانی نمیتوان انتظاردستاورد وموفقیت راداشت، مردم بایدگونهٔ شفاف وآشکار بدانندطرف مذاکرات کیست، در کجاویاچه خط مشی مذاکره میشود ودر نهایت پیش سرطهای طرفین چیست.

عبدالله نیز درنخستی در هند گفته بود در گفتگوهای صلح باید قانون اساسی افغانستان رعایت شود و خواست مردم نیز در نظر گفته شود.

قرارست رئیس جمهورغنی احمدزی نیز فردا باروسای کمیته های ولسی جرگه درمورادمختلف ازجمله گفتگو های صلح صحبت کند.

۱۲ طالب در نورستان کشته شدند

۱۵مارچ/کامدیش -باختر: ۱۲طالب بشمول سه جنگجوی پاکستانی این گروه درجریان درگیری با نظامیان درولایت نورستان حوالی ساعت چهار بامداد امروز کشته شدند. درگیری درولسوالی کامدیش درنوار دیورند هنگامی رخ داده که گروهی ازمهاجمان پس از داخل شدن به ولایت نورستان برکاروان حامل نظامیان گلوله باری کردند.

یک قوماندان ارشد پلیس مرزی گفت مهاجمان پس از عبور از نوار دیورند بالای کاروان حامل نظامیان گلوله باری کردند اما در نهایت خود شان در گلوله باری متقابل ، کشته شدند.

قوماندان طالبان پاکستانی و ۶ طالبش کشته شدند

۱۵مارچ/جلال آباد:باختر: یک قوماندان طالبان پاکستانی با شش فردش درحملهٔ هوایی جنگنده های بدون سرنشین ناتو روز گذشته درولایت ننگرهار کشته شدند.
نذیرافریدی درولسوالی لعل پور هنگامیکه باافرادش مشغول فعالیتهای تروریستی بود، آماج قرار گرفت و کشته شد. سخنگوی پلیس ننگرهار گفت این قوماندان باافرادش سوار بر موتری بودند ومیخواستند حملات تروریستی را سازماندهی کنند. درمیان کشته شدگان، چندشهروند پنجاب شامل اند.

از حمله انتحاری جلوگیری شد

۱۴مارچ/ کابل -باختر: امنیت ملی امروز یک سازمانده حملات انتحاری رابا یک فردانتحاری درشهر کابل بازداشت کردند. شبکه تروریستی حقانی پلان داشت بااستفاده ازین فرد دریکی از نقاط مردمحم کابل حمله انتحاری را-انجام دهد، که خوشبختانه قبل از رسیدن به هدف، امنیت ملی فرد انتحاری به نام عبدالرحمن مشهور به «حیدری و حنیف «(یاکن از سازمانده حملات انتحاری به نام عبدالرحیم مشهور به «اجمل «مربوط شبکه حقانی را بازداشت نمود.
اجمل اعتراف نمود که به دستورصبرالله زدران یک قوماندان شبکه تروریستی حقانی فردانتحاری را به منظور انجام حمله انتحاری بکابل انتقال داده است. وی علاوه کرد که قبلا نیز افراد انتحاری را به منظور انجام حملات انتحاری به شهر کابل انتقال داده است.

افغانستان حضور داعش در کشور را تأیید کرد

۱۶مارچ/ کابل -بی بی سی: دفتر رئیس جمهورافغانستان برای اولین بار رسما حضور گروه موسوم دولت اسلامی یا داعش را در افغانستان تأیید کرد.
اجمل عابدی سخنگوی دفترگفت حضور داعش در افغانستان واقعاگران کننده است وافزودنوعیت جنگ در افغانستان تغییر کرده و تروریسم حالا تبدیل به یک سیستم شده است. دولت برای سرکوب افراد داعش برنامه‌هایی دارد وتاحالا دوفرمانده ارشد گروه موسوم به دولت اسلامی درعملیات نیروهای افغان کشته شده‌اند.حکومت افغانستان درحالی ازحضور داعش ابراز نگرانیکردکه روز گذشته نماینده ویژه سازمان ملل درامور افغانستان در جلسه شورای امنیت ملل متحد، حضور گروه داعش در این کشور را نگران کننده خواند.
نبیکولاس هیسمن نماینده ویژه سازمان ملل گفت:اهمیت حضورداعش در افغانستان مربوط به تواناییهای ذاتی نیست، بلکه ظرفیت داعش در گردآوری گروه های انفرادی شورشی زیر یک چتر است که نگرانی بیشتری ایجاد می کند.

هیسمن که گزارش چهارماهه بانکی مون دبیر کل سازمان ملل در موردافغانستان را به شورای امنیت ارائه میکرد، درعین حال گفت: نشانهٔ ازحمایت گسترده و سیستماتیک ازداعش در افغانستان دیده نمیشود. درگزارش دبیر کل آمده شماری ازفرماندهان طالبان وفاداری خود را به داعش اعلام کرده‌اند و تعداد فزاینده دیگری از آنها نیز در تلاش کسب حمایت مالی و همکاری با داعش هستند.

دیروزمقامهای افغانستان اعلام کردند که حفیظ وحیدی رهبر گروه داعش در افغانستان، و ۹ پیکارجوی دیگر در یک حمله موشکی در ولایت هیرمند کشته شده‌اند.بکماه پیش، ملا عبدالرئوف، فردی که بعنوان معاون داعش در افغانستان شناخته میشد، در یک عملیات نظامی کشته شد .

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 994 , March 18, 2015, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه جون ۲۰۱۵ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵۰۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629	BANK OF AMERICA	ACCT # 06636-74303
خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.		
		PANAH CHARITY P.O.BOX 3131 SAN RAMON, CA 94583 www.panahcharity.org rbenish@panahcharity.org 501c (3)

دادخواهی پدر بخاطر تجاوز بردختر دوساله اش

۱۵مارچ/ کابل -بی بی سی:نورالدین پدر نیلوفر دخترخردسالی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، برای دادخواهی بکابل آمده ازدولت میخواهد عاملین تجاوز جنسی بردخترش را به کیفر برساند. نیلوفر دوساله، چارماه پیش درولسوالی رستاق ولایت تخار ازسوی مردی به نام عزیزالله موردتجاوز قرار گرفت. پدر نیلوفر که هرروز بخاطرعدالت خواهی برای دخترش عقب دروازه های نهاد های عدلی و قضایی سرگردان است، میگوید از وقتی که قضیه تجاوز رسمی شده، وابستگان عزیزالله، وی وخانواده اش را تهدید به مرگ میکنند.نورالدین که بخاطراین تهدید ها اکنون با خانواده اش به کابل فرار کرده، گفت برای چهل روز ازسوی برادران عزیزالله زندانی شده بودو آنان خواستاربرائت برادرشان شده بودند. او ازهربران حکومت وحدت ملی خواست دربرابرین جنابت بی تفاوتی اختیار نکنند و متجاوزین را به کیفر برسانند. او گفت افرادی که در قضیه تجاوزجنسی بر دخترش دست دارند، افراد تفنگدار و زورمند استند. بشمول عزیزالله سه نفر به اتهام این قضیه بازداشت شده است.

شیمیا قاسمی وکیل مدافع نیلوفرگفت دوسیه این کودک به تازگی از تخار به کابل فرستاده شده وتا هنوزبه محکمه نرفته است. او گفت عزیزالله یکی از متهمین این قضیه به کابل منتقل شده است. او افزود که از محل توقیف دو متهم دیگر اطلاعی ندارد.

دوجوان به جرم زنا دربامیان شلاق زده شدند

۴مارچ/بامیان -بی بی سی: برای نخستین بار دو جوان در ولایت بامیان، به جرم زنا از سوی محکمه شهری آن ولایت در یک جلسهٔ علنی، هر کدام صد دره زده شدند. این پسر ودختر جوان چندی قبل به اتهام اعمل زنا بازداشت شده بودند. فعالان حقوق بشر و نهاد های مدافع حقوق بشری فیصله این محکمه و اجرای حدود را بالای متهمین؛ برخلاف قوانین مدنی بین المللی خوانده از دولت می خواهند تا روند محاکم بر اساس قوانین نافذه ملی و بین المللی دایر شود تا حقوق بشر نقض نگردد.اسماعیل ذکی رئیس شبکه جامعه مدنی تطبیق حد رادرین محکمه سلیقه ای خوانده گفت اجرای حد ودره زدن در محاکم رسمی کشور سبب رسمیت بخشیدن محاکم صحرایی و تعقیب راه آنان برای انجام حد بالای متهمین خواهد شد.

اما مسئولان محکمه و اداره دادستانی بامیان میگویند تطبیق حد و اجرای صد دره بالای هریکی ازاین متهمین براساس رضایت و خواست خود این دو جوان صورت گرفت. عبدالوهاب رئیس دادستانی بامیان گفت هیچ جبری در تطبیق حد واجرای دره بالای متهمین نبوده وبراساس خواست خود آنان و ماده اول قانون جزای کشور ومذهب حنفی صورت گرفت که بعد از تطبیق حد هر کدام ۱۰۰دره زده شوددر آخر هر دو به نکاح یک دیگر در آمده ازیقید رها شدند.
باآنکه فعالان حقوق بشرتطبیق حد ودره زدن را خلاف قوانین مدنی کشور میدانند، امامسئولان ارگانهای عدلی و قضایی این ولایت آنرا بجاخوانده میگویند اجرای حد در محکمه علنی سبب عبرت گرفتن سایر جوانان از انجام عمل زنا میشود. محمدآصف مبلغ معاون سرپرست اداره محلی بامیان گفت در بعضی موارد تناقض بین قوانین جزایی وقوانین حقوق بشری وجود دارد که باید تدایلات بوجود آید. ممکن بر اجرای فیصله این محکمه نگرانیهای فعالین حقوق بشر موجود باشد اماقوانین مابایدباقوانین حقوق بشری تلفیق گردیده تعدیل شود.

پول‌های سیا در جیب القاعده . عبدالخالق قراهی در بدل ۵ میلیون دالر آزاد شده بود

۱۶مارچ/ کابل - روزنامهٔ ماندگار: روزنامه نیو یارک تایمزگزارش داد، حدود یک میلیون دالری را که آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) برای یکی از بودجه‌های مجرمانه دولت افغانستان تأمین کرده بود، نهایتادر سال ۲۰۱۰ بدست القاعده رسید که در آن موقع برای پرداخت باج در راستای آزادسازی یکی از دیپلماتهای افغان استفاده شد. به نوشته تایمز، بن لادن در ابتدا نسبت به این پرداخت نگران بود ومیترسید سازمان سیا ازین پول مطلع باشد و آنرا آغشته به سم یامواد رادیواکتیو کرده و یا داخل آن وسایل ردگیری جاسازی کرده باشد بهمین خاطر پیشنهاد داد تا پول به وجه رایج دیگری تبدیل شود. روزنامه نوشت نامه‌های مربوط به پرداخت این باج در سال ۲۰۱۱ بدنبال حمله کساندوهای امریکا که بن لادن رادرحمل اختفایش درایت آبادپاکستان کشتند، پیداشد. این مکاتبات بعنوان سند ومدیرک دردادگاه عییداناصر ارائه شد که ماه جاری در نیویورک به حمایت از تروریسم و توطیه چینی برای بمب گذاری در یکی از مراکز خریده منچستر واقع در انگلیس محکوم شد. در گزارش آمده عبدالخالق قراهی هنگامیکه در ۲۰۰۸ ربوده و به القاعده تحویل داده شد، کسول افغانستان در پشاور بود. وی در سال بعد پس از آنکه افغانستان به القاعده پنج میلیون دالر باج داد آزاد شد. یک پنجم این مبلغ پول سیا بود که از بودجه دولت افغانستان که سازمان سیامهانه مالی به آن اختصاص میداد، تأمین شد.نیوروک تایمزنوشت یکی از مقامات القاعده خطاب به بن لادن نوشت ازین مبلغ باج برای خرید تسلیحات، نیازهای عملیاتی ومبالتی که به خانواده‌های شبه نظامیان القاعده باز داشت در افغانستان داده می‌شود، استفاده خواهد شد. روزنامه در ادامه گزارش نوشت مبالغ ارسالی سیاه دفتر کرزی، برای جلب حمایت فرماندهان نظامی، قانونگذاران وبرای مخارج سفرهای دیپلماتیک مجرمانه و اسکان مقامات ارشد استفاده شد. از زمان ریاست غنی، این پرداختها گاه بگاه صورت گرفته است.

رهنمود تازه به نهادهای دولتی برای اطلاع‌رسانی

۱۶مارچ/ کابل -بی بی سی: بانشرقانون دسترسی به اطلاعات افغانستان، اداره ارگانهای محل که مسئولیت مدیریت ادارات محلی رادارد، می‌گوید شورای امنیت ملی از این نهاد خواسته تا به ادارات محلی بگوید در شریک ساختن اطلاعات هماهنگ عمل کنند.
تواب غورزنگ، سخنگوی این نهاد گفت: فرمان دهان پلیس در ساحه فعالیت خود می‌توانند به رسانه ها اطلاعات دهند، والیان میتوانند در حد ولایات شان اطلاعات بدهند. دولت میخواهد از طریق سخنگویان ادارات در کابل اطلاع رسانی شود. هدایت ما به ولایات اینست درمسایل مربوط به گفت‌وگوهای صلح، سخنگوی رئیس جمهوری و ریاست اجرائیه با رسانه ها صحبت کنند؛ چون این مساله خیلی با احتیاط پیش میرود و نمی‌خواهیم این روند آسیب ببیند، در مورد فعالیتهای داعش رسانه‌ها با اداره امنیت ملی صحبت کنند، در مورد عملیاتهای مشترک، ادارات محلی اجازه دهند سخنگوی وزارت دفاع ملی وروی روابط باهمسایگان وزارت خارجه اطلاعات دهند. غورزنگ گفت محدودیتی در کار نیست وهدف این دستور مشخص کردن خطوط اطلاع رسانی است. در صورتیکه یک خبرنگار در یک ولایت گزارشی تهیه میکند باید باهماهنگی دفتر والی با هراداره محلی گفت‌وگو کند. دولت افغانستان قانون حق دسترسی به اطلاعات را در جریده رسمی چاپ ومنتشر کرد. قانون دسترسی به اطلاعات درشش فصل و ۳۲ ماده پس از سه سال دست بدست شدن میان ارگ، پارلمان و وزارت عدلیه چندی قبل ازسوی رئیس جمهورتوضیح شد. ماده ۱۶ قانون تصریح کرده که برای اجرایی شدن این قانون، باید کمیسیون نظارت از دسترسی به اطلاعات تشکیل شود .

مصدق خلیلی، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت کارهای مقدماتی برای تشکیل این کمیسیون آغاز شده است، کمیسیون ۱۳ عضو دارد که ازسوی ۱ نهاد ازجمله چند وزارت، احزاب سیاسی و اداره امنیت ملی معرفی م‌شوند. کمیسیون بعداز تشکیل بر گهٔ تدوین میکند که متقاضیان اطلاعات باید برای دسترسی به اطلاعات آن فورم را پر کنند. خلیلی گفت: ما به تمامی این نهاد ها نامه فرستاده‌ایم و دوهفته فرصت داده‌ایم تا نمایندگان شان را معرفی کنند، اما تا هنوز جوابی از آنها دریافت نکرده‌ایم. امیدواریم به زودترین فرصت نمایندگان شانرا معرفی کنند تا جلسه کمیسیون را برگزار کنیم .

بر اساس ماده ۱۱۹ این قانون، نظارت بر روند دسترسی متقاضیان، بررسی شکایات، مشورت دهی، بررسی گزارش نهادهای تقویت فرهنگ اطلاع رسانی از وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون نظارت از دسترسی به اطلاعات است.

بر اساس ماده ۱۶ این قانون همه ادارات دولتی مکلف شده اند اطلاعات را به درخواست کننده طرف ده روز کاری و برای رسانه ها ظرف سه روز کاری فراهم کنند. همین ماده تصریح کرده اطلاعاتی که برای مصونیت شخص، حفظ جان یا آزادی فرد تقاضا می‌شود، باید ظرف ۲۴ ساعت ارائه شود.

ماده ۱۵ قانون مواردی را پیش بینی کرده که ارائه اطلاعات در مورد آن ممنوع خوانده شده است. در بن ماده تعریف شده که اطلاعاتی که حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی و منافع ملی را به مخاطره می‌اندازد یا هم سبب قطع رابطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان افغانستان وسایر کشورهایی شود، مشمول این موارد است. اطلاعاتی که جان، مال، حیثیت یک شخص رابه خطرمی‌اندازد وحریم خصوصی رانقض کند، مانع کشف جرم و روند محاکمه عادلانه را نقض کند، نباید به متقاضی داده شود.

هرچند مدت بسیار کمی از انتشار این قانون میگذرد، اماوزارت فرهنگ گفته کار تعدیل این قانون نیز در دستور کار است.
مصدق خلیلی سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت: هر قانون از زمان تسوید تا اجرایی شدن، مشکلاتی می‌داشته باشد وهر قانون راه حلی هم دارد که یکی آن تعدیل است. اوگفت شماری از اصحاب رسانه واهل خبره عملا بر تعدیل قانون کار میکنندو وزارت عدلیه نیز در جریان این اقدامات است اما تا کنون طرح تعدیل آماده نشده است.

در راهپیمایی در جوزجان سه نفر کشته شدند

۱۶مارچ/جوزجان -بی بی سی: در راهپیمایی روز گذشته در جوزجان دست کم سه نفر از معترضان کشته شدند. عبدالرحمان محمودی معاون والی جوزجان گفت: گروهی از جوانان که هویت شان معلوم نیست، پوزیسته (بانقلاب) به ساختمان ولسوالی هجوم آوردند و وارد ساختمان شدند وشروع به شکستن شیشه و درهای ولسوالی شدند. زمانیکه معترضان بطرف یکی از پاسگاههای پلیس حرکت کردند، پلیس ابتدا برای دفاع از خود وسلاح و پاسگاه امنیتی مجبور به شلیک هوایی شد، اما چون در بین معترضان افراد مسلح وجود داشت، پلیس و معترضان نیم ساعت درگیر شدند، دو نفر از معترضان کشته و ۶ تن از آنها زخمی شدند که یکی از زخمی هاینز در راه انتقال به بیمارستان جان داد .

راهپیمایی ساکنان ولسوالی قرقرین بخاطر مشکلات مرزی میان افغانستان و ترکمنستان بوده است. معترضان گفتند همه ساله به دلیل آب خیزیا در حومه آمو دریا، زمینهاو مزارع مردم در افغانستان تخریب میشودو زمانیکه روستاییان به طرف زمینهای خود میروند باموانعی از سوی مسئولان مرزی ترکمنستان مواجه می‌شوند. عبدالجبار یکی از معترضان که یکی از بستگانش در این راهپیمایی زخمی شده، گفت آنها بخاطر حاصلات زمین های خود به طرف مرز رفتند که با مخالفت مرزبانان ترکمنستان مواجه شدند. او گفت برای توجه به مشکلات وخواستهای خود راهپیمایی کردند.